



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



## بیعتہ دوبارہ با امام زمان

از سری منشورات مجلہ امان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نهم ربیع بیعتی دوباره با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

نویسنده:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله فرجه  
الشریف

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود ( علیه السلام )

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۷	نهم ربیع بیعتی دوباره با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۹	فهرست مطالب
۱۴	بخش اول. مقالات
۱۴	اشاره
۱۵	بیعت شناسی
۱۸	عهد محبت، بیعت و اطاعت
۳۲	بیعت با امام موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف
۳۷	امامتِ کودک!
۴۰	امامت و خردسالی
۴۷	زمینه سازی امام حسن عسگری علیه السلام برای غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
۵۵	روزی مهم، اما بی نام
۵۸	بخش دوم. مصاحبه ها
۵۸	اشاره
۵۹	نهم ربیع، جشن و بیعت؛ چرا و چگونه؟! ..
۶۵	بازگشت به احیای جشن امامت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
۷۰	اهمیت نهم ربیع
۷۵	پیشنهادهایی برای نهم ربیع
۸۴	بخش سوم. نوشته های ادبی
۸۴	اشاره
۸۵	میثاقی دوباره
۸۹	غروب اسارت (واپسین لحظات زندگی امام حسن عسگری علیه السلام)

آخرین نشانه ..... ۹۲

سلیل خاتون ..... ۹۶

روزشمار ربیع؛ از شهادت تا بیعت ..... ۹۷

درباره مرکز ..... ۱۰۱

## نهم ربیع بیعتی دوباره با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

### مشخصات کتاب

عنوان قراردادی: امان (مجله)

(Aman Magazine)

عنوان و نام پدیدآور: نهم ربیع بیعتی دوباره با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف / تهیه کننده دفتر مجله امان.

مشخصات نشر: قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۹۶ ص.؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س م.

شابک: ۴۰۰۰۰ ریال ۴-۷۷-۷۱۲۰-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: مهدویت

موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق -

موضوع: حسن بن علی (ع)، امام یازدهم، ۲۳۲ - ۲۶۰ق.

موضوع: Mahdism

رده بندی کنگره: BP۲۲۴/ن ۹۴ ۱۳۹۵

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۴۹۲۰۹۰

ص: ۱

### اشاره

از سری منشورات مجله امان

نهم ربیع

بیعتی دوباره با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

...

نهم ربیع بیعتی دوباره با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

□ تهیه کننده: دفتر مجله امان

□ ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

□ طراح جلد و صفحه آرا: مسعود سلیمانی

□ نوبت چاپ: اول/ پاییز ۱۳۹۵

□ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۰-۷۷-۴

□ شمارگان: هزار نسخه

□ قیمت: ۴۰۰۰ تومان

□ تمامی حقوق © محفوظ است.

□ قم: خیابان شهدا/ کوچه آمار (۲۲)/ بن بست شهید علیان/ پ: ۲۶/ تلفن: ۱-۳۷۸۴۱۱۳۰-۰۲۵/ نمابر: ۰۲۵-۳۷۷۴۴۲۷۳

□ تهران: خیابان انقلاب/ خیابان قدس/ خیابان ایتالیا/ پ: ۹۸/ تلفن: ۸۸۹۹۸۶۰۰-۰۲۱/ نمابر: ۰۲۱-۸۹۷۷۴۳۸۱

□ [www.mahdaviat.ir](http://www.mahdaviat.ir)

□ [info@mahdaviat.ir](mailto:info@mahdaviat.ir)

□ [Entesharatbonyad@chmail.ir](mailto:Entesharatbonyad@chmail.ir)



## فهرست مطالب

بخش اول. مقالات ۹

بیعت شناسی ۱۰

عهد محبت، بیعت و اطاعت ۱۳

بیعت با امام موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف ۲۷

امامتِ کودک! ۳۲

امامت و خردسالی ۳۵

زمینه سازی امام حسن عسگری علیه السلام برای غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ۴۲

روزی مهم، اما بینام ۵۰

بخش دوم. مصاحبه ها ۵۳

نهم ربیع، جشن و بیعت؛ چرا و چگونه؟! ۵۴

بازگشت به احیای جشن امامت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ۶۰

اهمیت نهم ربیع ۶۵

پیشنهادهایی برای نهم ربیع ۷۰

بخش سوم. نوشته های ادبی ۷۹

میثاقی دوباره ۸۰

غروب اسارت (واپسین لحظات زندگی امام حسن عسگری علیه السلام) ۸۴

آخرین نشانه ۸۷

سلیل خاتون ۹۱



مهدویت، از یک نگاه تنها به مجموعه محدودی از معارف مربوط به امام زمان می شود که غالباً نیز در نزد مردم، تحت تأثیر جریان ظهور و علائم و نشانه های آن است. اما با بررسی دقیق تر و جامع تر مجموعه گزاره هایی که در متون اسلامی درباره آن وجود دارد می توان نگاه وسیعتری را به مقوله مهدویت لحاظ نمود. از این منظر مهدویت، مجموعه معارف حول محور امام مهدی است که با خود فرهنگ خاصی را نیز به همراه دارد.

در نگاه دوم، همه موضوعات اسلامی و مسائل فردی و اجتماعی به حوزه مهدویت وارد می شوند با این فرق که همه آنها تحت نظام خاصی که محور آن حضرت مهدی است ساماندهی و اولویت بندی شده، و به همین جهت هم از نظر جایگاه و هم از نظر معرفی، باز تعریف خواهند شد. مضافاً بر آنکه هر یک از آنها از کارکردهای ویژه ای بهره مند می شوند که در غیر نظام مهدوی چنین کارکردی یا مترتب نمیشود و یا اندک خواهد بود.

ما معتقدیم که نگاه کامل به مهدویت همین نگاه دوم است چرا که در تفکر قرآنی شیعه، امامت کامل کننده دین و تمام کننده نعمت دین است و به فرموده حضرت امام رضا در حدیث بلند و مشهور معرفی امام در کتاب شریف کافی: «امامت زمام دین و مایه نظام مسلمین و صلاح دنیا و عزت مؤمنین است. همانا امامت ریشه با نمو اسلام و شاخه بلند آن است».

بر همین اساس نشریه دو ماهنامه امان- که وابسته به بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و تحت اشراف حجت الاسلام و المسلمین قرائتی و برخی دیگر از فضلا و فعالان بنام فرهنگی کشور است- از سال ۱۳۸۵ اقدام به انتشار فرهنگ و معارف مهدوی در بین دوستداران و منتظران امام زمان در سطح کشور

نموده است.

از آنجا که پس از گذشت بیش از یک دهه از فعالیت این نشریه و درج موضوعات متنوع در آن؛ از طرفی تمایل زیادی از خوانندگان و محققان معارف مهدوی در باره موضوعات خاص زیاد شده و از سویی دیگر تمام این نشریه در اختیار آنها قرار ندارد، دفتر نشریه اقدام به تدوین مجموعه ای از موضوعات مهدوی و پرطرفدار نشریه نموده و در اختیار مشتاقان به معارف مهدوی قرار داده است.

دفتری که در پیش روی شماست یکی دیگر از جمله این موضوعات با نام: «نهم ربیع؛ بیعتی دوباره با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف» است که به شما گرامیان تقدیم می شود؛ به امید آنکه مقبول پیشگاه خداوند متعال و خلیفه او در زمین، حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف واقع گردد.

برخود لازم می دانم از همه بزرگوارانی که در تهیه این اثر زحمت کشیده اند مخصوصاً حجج اسلام محمدصابر جعفری، محمدرضا فوادیان و برادر عزیز جناب آقای احمد مسعودیان تشکر نمایم.

حسن ملایی

سردبیر نشریه امان



ص: ۹

بخش اول. مقالات

اشاره

## بیعت شناسی

## بیعت شناسی (۱)

یکی از کارهای ویژه روز نهم ربیع الاول، بیعت کردن با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. واژه «بیعت» واژه ای عربی است از ریشه «بیع» به معنای خرید و فروش؛ اما بیعت کردن به معنای این است که دو طرف خرید و فروش، به نشانه تمام شدن معامله و تسلیم، کف دست راست خود را بر هم می زنند.

وقتی شخصی با کسی بیعت می کند، به این وسیله، فرمانبرداری خود از آن شخص و سرسپردگی در برابر امر و سلطه او را نشان می دهد؛ همچنین حاضر می شود تا پای فدا کردن جان و مال و فرزند، در راه اطاعت او بایستد.

قرائن نشان می دهد که بیعت از نوآوری های مسلمانان نیست؛ بلکه سنتی بوده که پیش از اسلام هم در میان عرب رواج داشت؛ به همین دلیل در آغاز اسلام - که طایفه «اوس و خزرج» در ایام حج از مدینه به مکه آمدند و با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در عقبه بیعت کردند - برخورد آنها با مسئله بیعت، آشنا بود؛ بعد از آن نیز پیغمبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در فرصت های مختلف با مسلمانان تجدید بیعت کرد؛ اما مگر اطاعت از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام که از سوی خداوند

منصوب می شوند نیازمند بیعت گرفتن است که چنین امری متداول و عادی بوده است؟ جواب منفی است؛ یعنی اطاعت کردن نیازمند بیعت گرفتن نیست؛ بلکه واجب است همه مسلمانان فرمان های امام و پیشوای برگزیده خدا را بی چون و چرا اجرا کنند و حتی اگر بیعت هم نکرده باشند موظفند که مطیع باشند.

خب اگر چنین است، پس چرا پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم از یاران خویش بیعت گرفت؟

پاسخ این است که: این بیعت ها یک نوع تأکید بر وفاداری بوده که در مواقع خاصی صورت می گرفته است؛ به خصوص برای مقابله با بحران ها و حوادث سخت از آن استفاده می شد تا در سایه آن، روح تازه ای در کالبد افراد دمیده شود.

البته همین امر در هنگامه ظهور، در بیعت با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم خواهد بود، که جنبه تأکید بر وفاداری دارد. یکی از کارهای نخست حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در هنگام ظهور، بیعت گرفتن از یاران است. جالب است بدانیم که این بیعت در مسجدالحرام و بین رکن و مقام صورت می گیرد. همچنین در روایات فراوانی نقل شده که اولین بیعت کننده با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، جبرئیل، فرشته مقرب الهی است؛ چنانکه امام باقر علیه السلام در ضمن روایتی می فرماید: «... پس نخستین کسی که با او بیعت کند، جبرئیل است؛ سپس آن ۳۱۳ نفر [بیعت می کنند]...».

اما آنچه از بیعت به ذهن می رسد آن است که باید امامی در جمع حاضر باشد تا ما بتوانیم با ایشان بیعت کنیم؛ ولی در این شرایطی که امام از نظرها غایب است، چگونه بیعت معنا پیدا می کند؟ اگر در معنای بیعت دقت کنیم، در می یابیم که همین حالا هم بیعت با امام زمان معنا دارد؛ مگر نه این است که در بیعت باید بر وفاداری با شخص بیعت شونده تأکید کنیم و این پیام را به او بدهیم که مطیع امر شما هستیم و سعی می کنیم رضایت شما را تأمین کنیم؟ همه این موارد در این زمانه غیبت هم عملی است.

می توانیم بیعت کنیم که یکی از کارهای زشتان را ترک کنیم و یا یک کار



مثبتی را انجام دهیم و به همین شکل می توانیم درباره هزاران کار دیگر با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بیعت کنیم که در جهت آنها تلاش کنیم؛ پس بیاییم یکبار دیگر با امام زمان تجدید بیعت و اظهار وفاداری کنیم، باشد که از یاران واقعی ایشان باشیم و چه خوب است که این بیعت را همه ساله در روز نهم ربیع تجدید و این امر را به سنتی مستمر تبدیل کنیم.

## عهد محبت، بیعت و اطاعت

### عهد محبت، بیعت و اطاعت (۱)

یوم الله نهم ربيع الاول، سالروز آغاز امامت قائم آل محمد، خاتم الاوصیاء، بقیت الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف و روز تجدید میثاق با آن امام همام و اهداف و آرمان های بلند اوست. (۲)

روزی که در امتداد غدیر و بلکه خود غدیری دیگر است. (۳)

شایسته است عاشقان مهدوی و منتظران منجی بشریت، در هر کجا هستند به ویژه در کشورهای اسلامی و بالخصوص در این مرز و بوم که شیعه خانه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است، با مراسمی ویژه به پاسداشت این روز بزرگ و عیدالله الاکبر همت گمارند.

باید در این روز با امام زمان خود، تجدید پیمان کرده و بر مفاد عهد و میثاق خود - که به آن ها در روایات و دعاها به ویژه دعای عهد اشاره شده - مروری

۱- استاد سید مسعود پورسید آقایی.

۲- هم چنان که جماعتی از ایرانیان (از قم و جبال) نخستین گروهی بودند که پس از شهادت امام عسکری علیه السلام در جستجوی امام زمان خود بر آمده و به محضرش بار یافتند و بدینسان بیعت خود را اعلام نمودند. (کمال الدین، باب ۴۳، ص ۴۷۶، ح ۲۶) و نیز پس از پیدایش خوارج، شیعیان علی علیه السلام با آن حضرت بیعتی دوباره کردند. (تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۲۶).

۳- بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۳۵۴.

دوباره داشته باشیم و به بازشناسی و بازخوانی حقوق و تعهداتی که نسبت به آن امام نور و گنجینه عهد الهی و امید همه مستضعفان عالم بر عهده داریم، پردازیم که؛

همانا عهد در نزد خداوند، پذیرش ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و امامان بعد از اوست. (۱)

روایتی دیگر چنین می فرماید:

ما همان پیمان و عهد خدایم، هر کس به عهد ما وفا کند، به عهد الهی وفا کرده است و هر کس با ما پیمان بشکند، با خداوند پیمان شکسته است. (۲)

در این جا به برخی عهدها و پیمان های خود نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف همچنین به زمینه ها و ریشه های آن (معرفت و محبت) و جایگاه و پی آمدهای آن (تبعیت و اطاعت) اشاره ای کوتاه خواهیم داشت و به ترتیب از معرفت، محبت، ولایت، عهد و اطاعت، گفت و گو خواهیم کرد، شاید بتوانیم با استعانت از ذات ربوبی (۳) به انجام آن ها موفق شویم.

۱. معرفت امام

شناخت امام، درک اضطرار به او و آگاهی به حق ولایت اوست؛ «عارفاً بحقه» (۴) زیرا امام از ما به ما و مصالحمان آگاه تر و نسبت به ما از خود ما مهربان تر است؛ چرا که آگاهی او شهودی و وجودی است و محبت او غریزی و

۱- تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۳۶۲.

۲- کافی، ج ۱، ص ۲۲۱.

۳- «و اعنا علی تأدیه حقوقه الیه»؛ (مفاتیح الجنان، دعای ندبه).

۴- وسائل الشیعه، ج ۱۰، صص ۲۹۳ و ۲۹۴ و ۳۱۸ و ۳۱۹.

محدود نیست، بلکه ربوبی و محیط است. امام از همه کشش های نفسانی آزاد است. او به راه های آسمان آگاه تر از راه های زمین است. تلفیق این آگاهی و آزادی می شود عصمت و همین زیربنا و رمز پذیرش ولایت و سرپرستی آن ها و تسلیم در برابر آن هاست.

مردم به سه تکلیف مکلفند: معرفت امامان، تسلیم در برابر ایشان و واگذاری امور به ایشان در اموری که اختلاف پیش می آید. (۱)

ناآگاهی از حق ولایت امام و جهل در تشخیص و مصداق این چنین امامی آثار زیانباری همچون چشم پوشی از همه دستاوردهای وحی، مرگ جاهلی، گمراهی و هلاکت و... را در پی دارد:

کسی که در چهار چیز شک کند، به همه آن چه که خداوند آن را نازل فرموده کافر شده است؛ یکی از آن ها شناختن امام در هر عصر و زمان است که شخص امام را با صفاتی که داراست، بشناسد. (۲)

کسی که بمیرد و امام زمان خود را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است. (۳)

بارالها! حجت خود را به من بشناسان و گرنه از دین خود گمراه خواهم شد. (۴)

سلام بر تو ای راه خدا! که هر کس غیر آن را رود، هلاک می شود. (۵)

کسانی که اضطرار به ولی را این گونه احساس کرده اند، می توانند به محبت و ولایت و اطاعت امام برسند و از تقدم و تأخر نجات یابند، که: «المتقدم لهم

۱- وسائل الشیعه ، ج ۱۸، ص ۴۵. به نقل از امام باقر علیه السلام.

۲- بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۱۳۵.

۳- همان، ج ۲۳، ص ۳۰۰.

۴- همان، ج ۵۲، ص ۱۴۶.

۵- مفاتیح الجنان، دعای حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف و این یعنی امام نه یک راه که تنها راه است.

مارق والمتأخر عنهم زاهق» (۱)، «فمعكم معكم لامع غيركم» (۲) و از جان و مال خود در راه این حق عظیم و پیمان الهی بگذرند و هستی خود را فدای امام کنند: «الذین بذلوا مهجهم دون الحسین علیه السلام». (۳)

## ۲. محبت

محبت، ادامه معرفت است. (۴) با درک اضطرار به امام و آگاهی از حق ولایت او، محبت امام در دل می نشیند و عشق به او که عشق به همه خوبی ها و زیبایی هاست در قلب آدمی ریشه می گستراند. بدون این معرفت، عشق را دوامی نیست.

آن چه که می تواند بر این محبت بیفزاید، درک این نکته است که این محبت یک طرفه نیست، بلکه دو سویه و طرفینی است. این گونه نیست که فقط من امام را دوست داشته باشم، بلکه او هم به من محبت دارد و حتی از من به من مهربان تر است؛ چون همان طور که اشاره شد، علاقه من به خودم غریزی است، ولی علاقه امام به من غریزی و محدود نیست که ربوبی و محیط است و بر اساس سعه وجودی او و برخاسته از معرفت شهودی و وجودی اوست. همین است که امام صادق علیه السلام می فرماید: به خدا سوگند! که من نسبت به شما از خود شما مهربان ترم. (۵)

آن ها در شادی ما شاد و در اندوه ما اندوهناکند. (۶)

۱- مصباح المتهجد، ص ۳۶۱.

۲- مفاتیح الجنان، زیارت جامعه.

۳- همان، زیارت عاشورا.

۴- «الحبُّ فرع المعرفة»؛ (مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۶۸).

۵- بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۷۸.

۶- همان، ج ۵۳، ص ۳۰۲.

سید بن طاووس نقل می کند: سحرگاهی در سرداب مقدس بودم، ناگاه صدای مولایم را شنیدم که برای شیعیان خود چنین دعا می کرد:

بارالها! شیعیان ما از شعاع نور ما و باقی مانده سرشت ما خلق شده اند. آن ها گناهان زیادی با اتکای بر محبت به ما و ولایت ما انجام داده اند. اگر گناهان آن ها گناهی است که در ارتباط با توست، از آن ها بگذر که ما راضی شدیم و آن چه از گناهان آن ها در ارتباط با خودشان هست، خودت بین آن ها را اصلاح کن و از خمسی که حق ماست به آن ها بده تا راضی شوند و آن ها را داخل بهشت بگردان و از آتش جهنم نجات بده و با دشمنان ما در غضب خود جمع مفرما. (۱)

باری! بارقه چنین عشقی است که انسان را به طلب و دعا و انس و نجوای با امام می خواند و به تویی و تبری می کشاند و او را وا می دارد که داعی باشد و دیگران را به امام دعوت کند و در این راه استقامت داشته و از هیچ نهراسد.

### ۳. ولایت

با معرفت و محبت امام به ولایت و سرپرستی او می رسیم. ولایت نه به معنای محبت که به معنای سرپرستی و تولیت در امور و امامت و پیشوایی است، یعنی سرپرستی و حاکمیت امام بر فرد و جامعه؛ بر فکر و احساس و عمل فرد و خانه و مدرسه و جای جای زندگی و متن جامعه.

این ولایت است که رکن رکین، اساس دین، کلید و گشایش گر و راهنمای همه ابعاد دین است و آن قدر که به آن، دعوت و سفارش شده به هیچ یک از دیگر ابعاد و ارکان دین دعوت نشده است. (۲)

این ولایت است که اگر کسی تمام شب ها به نماز بایستد، همه روزها روزه

۱- نجم الثاقب، ص ۴۵۵.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۸.

باشد، همه اموالش را صدقه بدهد و همه عمر حج بگذارد، اما ولیّ زمان خود را نشناسد و اعمالش را به سرپرستی و ولایت او انجام ندهد، از اعمالش هیچ بهره ای نمی برد و از اهل ایمان نخواهد بود. (۱)

باید تنها ولایت و سرپرستی او را پذیرفت و از او خط گرفت:

ای مولای من! راضی و خوشنودم به پیشوایی و هدایت و سرپرستی و راهبری تو و به جای تو احدی را نمی خواهم و جز تو کسی را ولی و سرپرست خود نخواهم گرفت. (۲)

البته این معنای از ولایت، نه نفی و مسخ انسان است و نه با هویت و انسانیت او در تعارض که با انتخاب انسان همراه است، زیرا به آگاهی بیش تر و به رحمت واسع حق و محبت و عنایت او دست یافته است. به راستی کسانی که هوس ها و رؤیاهای خود را حاکم کرده اند و از پشتوانه های معرفت و محبت برخوردار نیستند و یا در کوره بلا و امتحان آبدیده نشده اند، تحمل ولایت و حاکمیت امام را ندارند.

#### ۴. عهد

معرفت امام و محبت و ولایت او، زمینه ساز عهد و پیمان و بیعت با امام می شود، زیرا عشق و ولایت بدون عهده داری و مسئولیت پذیری، هوسی بیش نیست؛ که «عشق آسان نمود اول، ولی افتاد مشکل ها».

عهد، التزام خاص و نوعی تعهدپذیری در مقابل شخص یا کاری است. (۳) باید خود را به وظایفی که نسبت به امام داریم، ملترم سازیم و با او برای انجام خواسته ها و آرمان هایش عهد ببندیم (عهداً) و آن عهد را با اسباب و وسایلی

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۴۴.

۲- مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۳- التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. ج ۸، ص ۲۴۶، ذیل ماده عهد.

محکم کنیم (عقداً) و در نهایت با او بیعت کرده و دست در دست او نهاده و دل و سر به او بسپاریم (بیعه). (۱)

عهد و عقد و بیعت سه مرتبه از یک حقیقتند که در شدت و ضعف با یکدیگر تفاوت دارند. باید با بازخوانی و تجدید عهد در هر پگاه و بیعتی تا همیشه، هم اراده و انگیزه خود را قوی کرد و افزایش داد و هم از غفلت ها و سستی ها جدا شد و فاصله گرفت.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امیر مؤمنان علیه السلام در بحران ها و مواقع حساس با یاران خود تجدید عهد کرده و از آنان بیعتی دوباره می گرفتند، امام مهدی علیه السلام نیز در عصر ظهور به خاطر شرایط سختی که یارانش پیش رو دارند از آن ها چنین بیعت می گیرد:

...مسلمانی را دشنام ندهند،... حریمی را هتک نکنند، به خانه ای هجوم نبرند، کسی را به ناحق نزنند، طلا و نقره و گندم و جو انباشت نکنند، مال یتیمان را نخورند،... لباس خز و حریر (لباس های فاخر و اشرافی) نپوشند،... در زندگی به اندک بسنده کنند،... امر به معروف و نهی از منکر کنند و در راه خدا به شایستگی جهاد نمایند. (۲)

گفتنی است، کسانی می توانند در عصر ظهور به این عهدها عمل کنند که در عصر غیبت به عهد و پیمان های خود با امام عجل الله تعالی فرجه الشریف - این گنجینه عهد الهی و خزانه و جایگاه پیمانی که خداوند بر عهده بندگانش نهاده است - عمل کرده باشند. اهمیت این پیمان ها در عصر غیبت تا آن جا است که در روایتی از حضرت سجاد علیه السلام، همانا تنها راه نجات از فتنه ها شمرده شده است:

ای اباخالد! فتنه هایی چون شب تار فرا خواهد رسید. تنها کسانی از آن فتنه ها نجات خواهند یافت که خداوند از آنان پیمان گرفته باشد. آنان چراغ های هدایت و

۱- مفاتیح الجنان، دعای عهد.

۲- منتخب الاثر، ص ۵۸۱.



چشمه های علم هستند و خداوند آن ها را از هر فتنه تاریکی نجات خواهد داد. (۱)

عهدنامه

افزایش و تحکیم معرفت و محبت بیش تر و عمیق تر نسبت به امام علیه السلام:

«اعرف امامك، فانك اذا عرفت لم يضرك تقدم هذا الامر او تأخر». (۲)

بازکاوی و شناسایی وظایف و تکالیف خود نسبت به حضرت و عهد و پیمان بر انجام آن ها.

یاد حضرت و حضور در مجالس و مکان های منتسب به آن حضرت و توسل به او.

دعا برای فرج حضرت: «اکثروا الدعاء بتعجيل الفرج فان ذلك فرجكم». (۳)

و چون عذاب بر بنی اسرائیل شدت گرفت و طولانی شد، آنان چهل روز، ضجه زدند و ناله کردند. اشک ها ریختند و به درگاه خدا تضرع کردند، تا آن که خداوند، موسی و هارون را برای خلاصی و نجات آنان فرستاد و آنان را از چنگال فرعون رها نمود. این، در حالی بود که خداوند، به مدت صد و هفتاد سال، به آنان تخفیف داده بود. اگر شما هم این گونه به درگاه خدا ضجه و ناله کنید و همانند آنان در این امر جدی و کوشا باشید، هر آینه خداوند، برای ما، فرج و گشایش خواهد داد و اگر این گونه نباشید، همانا، (امر) و مسأله فرج و حکومت آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم، به سر حد نهایت خود، به تأخیر خواهد افتاد، تا آن جا که خداوند مصلحت بداند و مشیت او تعلق گیرد. (۴)

۱- منتخب الاثر، ص ۳۸۶.

۲- کافی، ج ۱، ص ۳۷۱.

۳- احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۶۹.

۴- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۱ - ۱۳۲.

تنها ولایت و سرپرستی او را پذیرفتن و دل و سر به او سپردن:

«هیچ جایگزین و سرپرستی غیر تو نمی جویم و نمی خواهم». (۱)

او تنها سرپرست و مولای بی جایگزین است. باید نه دل که سر به او سپرد؛ که مقام امینی جز او نیست. (۲)

دعوت به آن حضرت و تبلیغ و ترویج فرهنگ مهدویت و انتظار با بیان و قلم و هنر:

با توجه به اهمیت مهدویت و روایات فراوانی که در این باره داریم و نیز روایات «احیای امر» (۳) ضرورت تبلیغ و ترویج فرهنگ مهدویت کاملاً آشکار است.

روشن است که در انجام این پیمان، وظیفه سنگینی بر دوش افراد و دولت و نهادها به ویژه حوزه ها، دانشگاه ها، مطبوعات، هنرمندان و صدا و سیما است.

دوری از گناهان و آراستگی به اخلاق نیکو:

کسی که دوست دارد از یاران قائم باشد، باید منتظر ظهور باشد و در همان حال از گناهان دوری کند و به اخلاق نیکو آراسته باشد. (۴)

پس باید هر یک از شما کارهایی را انجام دهد که وی را به محبت و دوستی ما نزدیک می نماید و از آن چه موجب ناراحتی و ناخرسندی ما می شود، دوری گیرند. (۵)

بذل جان و مال و هر آن چه که داریم در راه امام:

و آن عهد و پیمان من با توست... پس جان و مال و فرزندان و خویشان و هر

۱- مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۲- اشاره به زیارت امین الله.

۳- ر.ک: کافی، ج ۸، ص ۸۰ - ۸۱.

۴- غیبت نعمانی، ص ۲۰۰.

۵- احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۵۹۹. (نامه به شیخ مفید).

آن چه که پروردگرم به من داده به پیشگاهت و در راه تو و آرمان‌ها و فرامینت، تقدیم می‌کنم. (۱)

#### انتظار

انتظار، آماده باش و تحصیل آمادگی‌های لازم برای رسیدن به اهداف و خواسته‌های مورد نظر است. انتظار، تنها یک حالت روحی نیست، بلکه با توجه به روایاتی که آن را «افضل الاعمال» و یا «احب الاعمال» می‌دانند، یک حالت روحی جریان یافته و شکل گرفته‌ای است که از معرفت برخاسته و به اقدام و عمل می‌انجامد که بدون این جزء اخیر حقیقت آن تحقق نمی‌یابد. همین است که می‌گوییم: انتظار، آمادگی آدمی در سه بُعد شناخت، عاطفه و رفتار و تحوّل در سه حوزه وجودی او؛ بینش و گرایش و عمل است.

#### اقتدا

خوشا به حال کسی که قائم از اهل بیت مرا درک کند و قبل از قیامش به او اقتدا و تأسی نماید. (۲)

امام علیه السلام الگو و مقتدای منتظران و سالکان است. باید مهدی زیست بود و از عدالت خواهی و بسط و گسترش آن گرفته تا خوراک و پوشاک و سلوک فردی و اجتماعی و جای جای زندگی به او تأسی کرد.

زمینه سازی برای ظهور

گروهی از مشرق به پا می‌خیزند و زمینه ساز حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌شوند. (۳)

۱- مفاتیح، زیارت حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۰.

۳- منتخب الاثر، ص ۳۷۵.

یاری و دفاع از حضرت

در فرازی از دعای عهد چنین آمده است:

«اللهم اجعلنی من انصاره» نصرت و یاری او؛

«واعوانه» اعانت و یآوری او؛

«والذابین عنه» دفاع و حمایت از او؛

«والمسارعین الیه فی قضاء حوائجه» شتاب به سوی او در برآوردن حاجاتش؛

«والممتثلین لاوامره» اطاعت از فرامین و دستورهایش؛

«والمحامین عنه» حمایت بی دریغ از او؛

«والسابقین الی ارادته» پیشی گرفتن به خواست و اراده اش؛

«والمستشهدین بین یدیه» شهادت در پیشگاه و حضور نازینش.

پیروی از ولی فقیه

در رخدادهای تازه، به راویان حدیث ما (فقها) رجوع کنید که ایشان حجت من بر شما و من حجت خدا بر شما هستم. (۱)

این ها و جز این ها برخی از عهدهایی است که ما با امام خود داریم؛ عهدهایی که با انجام آن ها امید است چشم ما به جمالش روشن شود و شاهد ظهور موفورالسرورش باشیم، که حضرتش در نامه به شیخ مفید فرموده است:

اگر شیعیان ما - که خداوند آن ها را به طاعت و بندگی خویش موفق بدارد - در وفای عهد و پیمانی که بر عهده دارند، همدل و متحد می شدند، سعادت دیدار ما به تأخیر نمی افتاد و این توفیق زودتر نصیب آنان می شد. (۲)

در پایان، این هشدار قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را نیز از یاد نبریم:

۱- از توقیعات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف (غیبت طوسی، ص ۲۹۱).

۲- طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۸.

فبما نقضهم ميثاقهم لعناهم و جعلنا قلوبهم قاسية (۱)

به واسطه نقض پیمانان آنها را دور نمودیم و قلبهایشان شقاوت گرفت.

اذا نقضوا العهد سلط الله عليهم عدوهم. (۲)

هرگاه مردم عهدشکنی کنند، خداوند دشمنانیشان را بر آنان مسلط گرداند.

۵. اطاعت

با معرفت و محبت و ولایت امام، به عهد و پیمان با او و آن گاه تبعیت و اطاعت او می‌رسیم. عهد و اطاعت، تجلی و نمود عشق و محبت است. هر چه عاشق‌تر، متعهدتر و مطیع‌تر.

امام باقر علیه السلام به جابر می‌فرماید: «به خدا قسم! تنها با عمل است که می‌توان به ولایت ما رسید».

در روایت دیگری از حضرتش سؤال شد: حق امام بر مردم چیست؟

حضرت فرمود: حق امام بر مردم این است که سخنش را بشنوند و اطاعت کنند. (۳)

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید:

جماعتی گمان می‌کنند که من امام و پیشوای آنانم؛ در حالی که به خدا سوگند، من هرگز امام آنان نیستم. خدا آنان را لعنت کند؛ آن چه من آن را مخفی کردم، افشا کردند. [درست نقطه مخالف اعمال مرا انجام می‌دهند]. من می‌گویم چه و چه، آن‌ها می‌گویند: مقصود این و این است. [گفته‌های مرا مطابق میل و هوای نفس خود تفسیر

۱- مائده (۵)، ۱۳.

۲- بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۴۶.

۳- کافی، ج ۱، ص ۴۰۵.

می کنند. [من فقط امام و رهبر آن کسی هستم که از من اطاعت و تبعیت کند. (۱)]

همین است که در روایتی «حیّ علی خیرالعمل» به ولایت اهل بیت تفسیر شده است؛ (۲) چون این چنین ولایتی به عمل منجر می شود و آن هم بهترین عمل. همین اطاعت و عمل است که رمز فرج و گشایش کارها، ظهور همه زیبایی ها و خوبی ها، عامل نصرت خدا و بهره مندی از همه مواهب و عنایات الهی، شرط محبوبیت در نزد خدا، دریافت امدادهای غیبی و دستیابی به بهشت لقا و حضور اوست.

اطاعت امام؛ یعنی به عهد و پیمان ها عمل کردن؛ یعنی بازخوانی و مرور مستمر و همیشگی میثاق ها و مراقبت مدام بر انجام آن ها.

اطاعت امام؛ یعنی خود را وقف امام و خواسته های او کردن «رحم الله عبداً حبس نفسه علینا» و همیشه و همه جا، یاور و مدافع حریم ولایت بودن و در جهت تحقق خواست ها و آرمان های او که همان خواسته های خداست، گام برداشتن.

اطاعت امام؛ یعنی زمینه ظهور او را فراهم ساختن.

اطاعت امام؛ یعنی بسط عدالت و فرهنگ عدل پذیری در جامعه و نهادینه کردن آن.

اطاعت امام؛ یعنی تلاش در جهت اصلاح خود و جامعه.

اطاعت امام؛ یعنی حاکمیت ولایت معصوم در فکر و اندیشه، عاطفه و احساس، اقدام و عمل.

اطاعت امام؛ یعنی جلوه خواست امام در جای جای زندگی از خانه و مدرسه

۱- بحارالانوار، ج ۲، ص ۸۰.

۲- همان، ج ۵۲، ص ۱۲۶.

گرفته تا کوجه و بازار.

اطاعت امام؛ یعنی برنامه ریزی راهبردی نظام در جهت انتظار و اهداف امام و قرار گرفتن همه نهادها در همین راستا از حوزه و دانشگاه گرفته تا آموزش و پرورش و ارشاد و سازمان تبلیغات و صدا و سیما و ... .

اطاعت امام؛ یعنی بسیج همه امکانات و به کارگیری تمام توان جامعه برای ایجاد شور و رغبت اجتماعی به ظهور و دولت کریمه و زمینه سازی آن؛

اللهم انا نرغب اليك في دولة كريمه تعزبها الاسلام و اهله و تذل بها النفاق و اهله و تجعلنا فيها من الدعاه الى طاعتك والقاده الى سبيلك و ترزقنا بها كرامه الدنيا والاخره.

اللهم انا نشكو اليك فقد نبينا صلواتك عليه و آله و غيبه و لينا و كثره عدونا و قلّه عددنا و شدّه الفتن بنا و تظاهر الزمان علينا.

(۱)

## بیعت با امام موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

بیعت با امام موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف (۱)

روز نهم ربیع الاول، سالروز شروع امامت منجی عالم بشریت، موعود انبیا، پایان بخش طومار حاکمیت طاغوت و برقرار کننده حکومت عدل الهی در سرتاسر زمین است. از این رو مناسب است که در این زمینه، چند کلمه ای با هم به گفتگو بنشینیم.

۱. خداوند برای انسان، هدفی متعالی و بلند مرتبه در نظر گرفته است. رسیدن به این هدف والا - که همان مقام قرب الهی است - فقط در مسیر عبودیت و بندگی خدا ممکن پذیر می باشد: ((يا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ \* ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً \* فَادْخُلِي فِي عِبَادِي \* وَادْخُلِي جَنَّاتِي)). (۲)

۲. انسان برای رسیدن به این مقام بلند و هدف برتر، نیازمند راهنمایی و راهبری حجت های الهی است. از این رو، خداوند، پیشوایان آسمانی را برای دستگیری مردم در این مسیر فرستاد تا هم هدف را به آنان یادآور شوند و هم راه را در قالب شریعت و دین برای آنان معرفی و تبیین کنند. پیامبران؛ هدف را برای مردم بیان کردند: ((وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا

۱- مهدی یوسفیان.

۲- فجر (۸۹)، ۲۷-۳۰.



الطَّاعُوتِ؛ ما در هر امتی، رسولی برانگیختیم که خدای یکتا را پرستید و از طاغوت اجتناب کنید)). (۱)

آنان وظیفه داشتند علاوه بر معرفی راه و هدف، آن را برای مردم، به روشنی تبیین و تفسیر کنند: ((كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ؛ همان گونه (که با تغییر قبله، نعمت خود را بر شما کامل کردیم) رسولی از خودتان در میان شما فرستادیم؛ تا آیات ما را بر شما بخواند و شما را پاک کند و به شما، کتاب و حکمت بیاموزد و آنچه را نمی دانستید، به شما یاد دهد)). (۲) و به آنان بگویند که سرانجام خوش و نیک فقط در سایه اطاعت از خدا و رسول، امکان دارد: ((وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَنْ يَتَوَلَّ يُعَذِّبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا)). (۳)

۳. آخرین پیام آور آسمانی، حضرت محمد ﷺ از طرف خداوند، مبعوث به رسالت شد: ((مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَ لَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَ كَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا)) (۴) و خداوند با او قرآن را نازل کرد تا راهنمای همه مردم جهان باشد: ((تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا)) (۵) و آن را معجزه جاوید او قرار داد: ((لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ)). (۶)

۱- نحل (۱۶)، ۳۶.

۲- بقره (۲)، ۱۵۱.

۳- فتح (۴۸)، ۱۷.

۴- احزاب (۳۳)، ۴۰.

۵- فرقان (۲۵)، ۱.

۶- فصلت (۴۱)، ۴۲.

۴. از تعبیر قرآنی استفاده می شود عهد امامت، غیر از مقام نبوت و بالاتر از آن بوده و به برخی از انبیا عنایت شده است: ((وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَمَّا بَيْنَا عَلَى الْوَاقِئِ الْعِزَّةِ الْمَسَكِينِ)) (به خاطر آورید) هنگامی که خداوند، ابراهیم علیه السلام را با وسایل گوناگونی آزمود و او به خوبی از عهده این آزمایش ها برآمد، خداوند به او فرمود: من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم. ابراهیم علیه السلام عرض کرد: از دودمان من (نیز امامانی قرار بده). خداوند فرمود: پیمان من، به ستمکاران نمی رسد (و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند، شایسته این مقامند)). (۱)

۵. مقام نبوت و رسالت، مقام ابلاغ وحی و معرفی راه سعادت است. انبیا و رسولان الهی فقط وظیفه داشتند تا مسیر بندگی را در قالب دین، برای مردم تبیین کنند؛ خواه مردم آن را بپذیرند و به کار بندند، و یا رد کنند و به مخالفت پردازند: ((قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَ عَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ وَ إِن تُطِيعُوا تَهْتَدُوا وَ مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ))؛ بگو: خدا را اطاعت کنید و از پیامبرش فرمان برید و اگر سرپیچی نمایید، پیامبر، مسئول اعمال خویش است و شما مسئول اعمال خود! اما اگر از او اطاعت کنید، هدایت خواهید شد؛ و بر پیامبر، چیزی جز رساندن آشکار (پیام الهی) نیست)).

اما مقام امامت، مقام رهبری و راهبری و اجرای دین در زندگی مردم است؛ و این، زمانی امکان دارد که مردم، امامت و رهبری امام را بخواهند و با پذیرش حاکمیت و سرپرستی او، راه را برای برقراری امامت حجت آسمانی هموار کنند. بنابراین، مردم در بعثت انبیا و ارسال رسولان و ابلاغ وحی، نقشی ندارند، یعنی شرط آمدن پیامبر و بیان پیام الهی، خواست و پذیرش مردم نیست؛ ولی برای

تحقق رهبری حجت خدا و امامت در جامعه - که بخشی از وظایف امام است - مردم، نقش تعیین کننده دارند؛ یعنی اگر مردم نخواهند، امام نمی تواند در جامعه نقش حکومتی خود را ایفا کند.

۶. همراهی و یاری امام و پذیرش مردمی، به دو شرط اساسی وابسته است:

الف) شناخت امام هم به صورت معرفت شخص امام و هم معرفت نسبت به شخصیت و مقام و منزلت او در جهان هستی و نزد خدا؛

ب) بیعت با امام و زمینه سازی برای حضور ایشان، یعنی تعهد به این که او را یاری کنند، اوامرش را انجام دهند و برای هرگونه فداکاری در راه امام و اوامر او آماده باشند.

نگاهی گذرا به تاریخ صدر اسلام به روشنی نقش مردم را در برقراری رهبری جامعه توسط امام، نشان می دهد. عده زیادی از مردم مدینه، با آگاهی از دین اسلام، به آن گرویدند. سپس گروهی از آنان در مراسم حج شرکت کرده و در «عقبه منی» با پیامبر بیعت کرده و مراتب یاری خود را از پیامبر و فداکاری در راه او اعلام کردند. پس از آنکه آمادگی شهر مدینه را برای حضور پیامبر، به ایشان، خیر دادند، مردم مدینه با شنیدن خبر هجرت ایشان، خود را برای استقبال از آن بزرگوار آماده نمودند.

با رحلت پیامبر و کوتاهی مردم، رهبری حکومت از امام علی علیه السلام گرفته شد و ایشان، ۲۵ سال خانه نشین شدند. امام حسن علیه السلام نیز مجبور به صلح با معاویه شد و امام حسین علیه السلام در کربلا همراه یاران باوفایش به شهادت رسید. سایر امامان بزرگوار علیهم السلام نیز تحت شدیدترین فشارهای حکومت ظالم و فاسد بنی امیه و بنی عباس قرار گرفتند تا در نهایت، غیبت آخرین حجت الهی اتفاق افتاد و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیده ها پنهان شد.

اکنون که با جایگاه مردم در برقراری حکومت آشنا شدیم، مناسب است با دقت

بیشتری به فرازهایی از دعای «عهد» (۱) توجه کنیم:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أُجِدُّدُ لَهُ فِي صَبِيحِهِ يَوْمِي هَذَا وَمَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي عَهْدًا وَعَقْدًا وَيَعَهُ لَهُ فِي عُنُقِي لَا أَحُولُ عَنْهَا وَلَا أُزُولُ أَيْدَا؛ خداوندا! من در صبح امروز و تا زمانی که زنده ام، عهد و پیمان خود را با امام خویش تجدید می کنم، و بیعت او را به گردن می گیرم و هیچ گاه آن را از نظر دور نمی دارم و از یاد نمی برم».

این بیعت لوازمی دارد که با انجام آنها، بیعت، معنا و مفهوم پیدا می کند:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْيَانِهِ وَالذَّابِّينَ عَنْهُ وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَالْمُحَامِلِينَ عَنْهُ وَالسَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ وَالْمُسْتَشْهَدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ؛ خداوندا! مرا از یاوران و مدافعین او و کسانی که سعی در انجام مقاصد او دارند و نیز از پشتیبان های وی و کسانی که در انجام اراده حضرتش سبقت گرفته اند و آنان که در رکابش شهید می شوند قرار ده».

با دقت در این فراز، با لوازم بیعت واقعی آشنا می شویم: یاری امام در تحقق اهدافش، دفاع از او و حریم و حرمتش، سرعت داشتن در برآوردن خواسته هایش، سبقت گرفتن از دیگران در امتثال خواسته اش، آمادگی هرگونه فداکاری تا مقام جانفشانی و نثار خون در برابرش.

روز نهم ربیع الاول که سالروز امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است، این نوید را دارد که آخرین حجت الهی و مصلح عالم بشریت، به مقام امامت رسیده است؛ و اگر ما آماده پذیرش و یاری امام باشیم، پرچم عدل الهی ایشان به اهتزاز در خواهد آمد و با ظهور آن بزرگوار، حکومت در اختیار صاحبش قرار گرفته و دوران سبز زندگی انسانی برای عموم انسانها تحقق می یابد.

---

۱- در مفاتیح الجنان از امام صادق علیه السلام نقل شده است که هر کس آن را چهل صبح بخواند از یاران قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود.

**امامتِ کودک!**

امامتِ کودک! (۱)

یکی از امامانی که در کودکی به مقام امامت رسید، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. در پاسخ به این پرسش که آیا ممکن است که یک کودک امام شود، به قرآن کریم، مراجعه می کنیم.

امامت به سن و سال نیست

در قرآن آمده است: ((وَ آتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا))؛ (۲) «و ما فرمان نبوت (و عقل کافی) را در کودکی به او (حضرت یحیی علیه السلام دادیم!)».

صبی یعنی کودک. چون امامت کیلویی نیست، متری نیست، سنی نیست، برقی است که از غیب وصل می شود؛ ممکن است این برق به لامپ کوچکی وصل شود، ممکن است به لامپ بزرگی وصل شود؛ اما این برق هر جا که وصل شد، نور می دهد و لذا لامپ کوچکی که به آن برق وصل شود نور دارد، اما لامپ بزرگی که به آن برق وصل نشود، نور ندارد. بنابراین امامت مربوط به سن و وزن و حجم نیست.

۱- محسن قرائتی.

۲- مریم (۱۹)، ۱۲.

حتماً زمانی که سوار هواپیما می شوید، دیده اید که بعد از نشستن هواپیما یک ماشین کوچک جلو می رود و این هواپیمای بزرگ، عقب این ماشین کوچک حرکت می کند. یعنی یک ماشین کوچک می شود رهبر یک هواپیمای بزرگ. یک سوئیچ کوچک، یک ماشین بزرگ را روشن می کند. بنابراین همه چیز با حجم و بزرگی، اندازه نمی شود. گاهی یک قرص کوچک شفا می دهد، اما یک دیگ ظرف بزرگ از شربت شفا نمی دهد. گاهی یک درخت کوچک پر از میوه است، گاهی یک درخت چنار قد منار، هیچ میوه ای ندارد. مسائل را سطحی و کیلویی نباید نگاه کرد.

بر اساس ظواهر قضاوت نکنیم!

خیلی ها می گویند: «بابا این به قد و قیافه اش نمی خورد که فلاں کار خوب را کرده باشد». بسیاری از قضاوت های ما قضاوت های کیلویی است! به یک کسی گفتند بیمارستان نیروی دریایی کجاست؟ یک خورده فکر کرد و گفت بیمارستان نیروی دریایی؟ لابد کنار دریا است. چون اسم بیمارستان، نیروی دریایی است، گفت لابد جایش هم کنار دریاست!

امام جواد علیه السلام را بارها امتحان کردند، حدود سی هزار مسئله از ایشان پرسیدند، همه را بدون تأمل جواب دادند. در مجلسی، فردی از این که یک بچه به همه مسائل آگاه باشد متعجب شده بود. امام جواد علیه السلام متوجه تعجب فرد شده و بیان کردند: «اگر خدا اراده کند، این همه علم را حتی به یک پشه بدهد، می دهد».

انرژی هسته ای یعنی چه؟ گاهی وقت ها خداوند در ذراتی بسیار کوچک، انرژی قرار می دهد. خدا اراده کرده این قدرت را در یک سلول و گاهی در یک اتم قرار دهد. به هر حال امامت یعنی اراده خدا، آیت خدا. البته خداوند، بی دلیل چیزی را به کسی نمی دهد و همه کارهای او بر اساس حکمت است.

## شرایط امامت در دعای ندبه

در انتخاب امام، اسراری نهفته است، اما این که اسرار پشت پرده امامت چیست، برخی از آنها در ابتدای دعای ندبه، بیان شده و می فرماید: «شَرَطْتُ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ؛ شرط کردی بر آنان که نسبت به مقامات دنیا بی رغبت باشند». اولین شرط امامت، داشتن زهد است، یعنی دنیا طلب، دنیا پرست و دنیا گرا نباشند. بعد می فرماید: «وَعَلِمْتُ مِنْهُمْ الْوَفَاءَ؛ و تو وفای آنان را به عهد و پیمان دانستی». خدا هم علم دارد که اولیایش وفا می کنند. برای همین: «فَقَبَلْتُهُمْ وَقَرَّبْتَهُمْ وَقَدَّمْتُمْ لَهُمُ الذِّكْرَ الْعَلِيِّ وَالْثَنَاءَ الْجَلِيَّ؛ پس آنان را پذیرفتی و نزدیکشان گردانیدی پیشاپیش برای آنان ذکر و آوازه بلند، ثنا و ستایش و آشکاری را مقرر نمودی».

ما در نبودمان کلید خانه را به چه کسی می دهیم؟ کلید خانه را به کسی می دهیم که یک چیزی از خانه بیرون نبرد، دزدی نکند، خانه را کثیف نکند، سوء استفاده نکند، کلید را به دیگری هم ندهد. بازاری ها به چه کسی وام می دهند؟ به چه کسی نسیه می دهند؟ به کسی که می داند چکش بر نمی گردد و اعتبار دارد.

حالا- آیا می توانیم بگوییم حالا- که به فلاینی نسیه دادی به من هم بده؟ خیر. چون ممکن است یک نفر با گرفتن میلیون ها تومان فرار نکند و ظرفیت داشته باشد که آن را حفظ کند و کم کم برگرداند، اما فرد دیگری، حتی با گرفتن یک جفت کفش پا به فرار بگذارد. بنابراین ظرفیت ها مهم است: ((اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ؛ (۱) خدا می داند که پست و مقام ها را به چه کسی بدهد)). پس پشت پرده هر اتفاقی، ماجراهایی نهفته است.

## امامت و خردسالی

### امامت و خردسالی (۱)

امامت، به معنای پیشوایی، پیشروی و رهبری است. امام نیز به معنای پیشوا، پیشرو، مقتدا، (۲) قیم، مصلح، الگو، راه اصلی و راهنما است. کسی یا چیزی که از آن پیروی شود، انسان باشد یا کتاب یا چیزی دیگر، به حق باشد یا بر باطل، امام است. (۳)

ریشه این واژه «امم» و به معنای قصد یا قصد با توجه خاص است. این معنا در همه مشتقات آن محفوظ است. امام نیز کسی است که همواره مقصود و هدف حرکت و تلاش دیگران قرار گیرد؛ گرچه با اختلاف موارد و قصدکنندگان و جهات و اعتبارات، گوناگون می شود؛ مانند امام جمعه و جماعت، امام هدایت و امام ضلالت.

برخی کامل ترین تعریف را ریاست بالاصاله عمومی در امر دین و دنیا در دار تکلیف می دانند که عموم مردم را به حفظ مصالح دین و دنیایشان ترغیب و از آنچه به حال آنان زیانبار است منع کنند.

۱- خدامراد سلیمیان.

۲- صحاح اللغه، ج ۵، ص ۱۸۶۴؛ مقایس اللغه، ج ۱، ص ۲۳؛ العین، ج ۱، ص ۱۰۶.

۳- المفردات، ص ۲۴.



متکلمان اسلامی - شیعه و اهل سنت - امام و به دنبال آن، خلیفه را درباره کسی به کار می برند که از ناحیه پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم نیابت و ریاست یافته است تا امور دینی و دنیوی مردم را بر عهده گیرد و دین و دنیای آنان را سامان داده، آباد سازد؛ از این رو بر مردم است تا از دستورات وی پیروی کنند. (۱)

شیعه، بر این باور است که پیامبران چون از جهت عمر و امکانات محدودند، برای محقق ساختن اهداف خود به امر الهی، جانشین خود را به مردم معرفی و مردم را به اطاعت از آنان سفارش می کنند. بر این اساس اگر پیامبر خلیفه و امام معرفی نکند، رسالتش را به انجام نرسانده است. (۲)

دیگر آن که، وجود امام در هر عصر و زمان و در هر جامعه ای برای هدایت انسان ها به سوی کمال و برقراری نظم در جامعه ضرورت دارد.

خداوند در این باره فرمود: ((أَمَّا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ)) (۳) همانا تو اندازنده ای و برای هر قومی هدایت گری است)).

روایات تفسیری این آیه نیز این حقیقت را تأیید می کند که امامی زنده تا روز قیامت میان انسان ها حضور دارد. همچنین براساس روایاتی درباره سوره قدر، در شب قدر هر سال تا روز قیامت، فرشتگان بر امام آن زمان نازل می شوند و این سوره دلیل روشنی بر وجود امام در همه زمان ها است.

افزون بر آیات، از روایات فراوانی نیز استفاده می شود که زمین، هیچ گاه از حجت الهی تهی نخواهد بود و هرگاه از حجت الهی تهی باشد، اهلش را فرو خواهد بُرد؛ به گونه ای که حتی اگر دو نفر بر روی زمین زندگی کنند، یکی از آنان حجت و امام خواهد بود.

۱- دائرة المعارف قرآن کریم، ج ۴، ص ۲۲۵.

۲- مائده (۵)، ۶۷.

۳- رعد (۱۳)، ۷.

همچنین پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام بر این عقیده اند که نام های آن پیشوایان در کلام آخرین سفیر الهی به روشنی انعکاس یافته است و آخرین آن پیشوایان نور همانا منجی موعود است که جهان را سرشار از عدالت خواهد کرد آن گونه که آکنده از ستم و بیداد شده باشد. نه فقط پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام که برخی از دانشوران اهل سنت، در روایاتی چند به این حقیقت بزرگ اشاره کرده اند. (۱)

از این رو سال ها پیش از آن که نهم ربیع الاول سال ۲۶۰ ق فرا رسد و آخرین امام از این سلسله مبارک پا به عرصه امامت بگذارد، پیشوایان معصوم علیهم السلام و به ویژه واپسین فرستاده خداوند سبحانه و تعالی، پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم امامت آخرین حجّت الهی، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نوید داده بودند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

پیشوایان پس از من، دوازده نفرند؛ نخستین ایشان، علی بن ابی طالب، و آخرین آن ها قائم است. آن ها جانشینان و اوصیا و اولیای من و حجت های خداوند پس از من، بر امت من هستند. اقرار کننده به آن ها مؤمن، و انکار کننده ایشان، کافر است. (۲)

پیشوایان معصوم علیهم السلام نیز به پیروی از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم همواره به سلسله امامان دوازده گانه اشاره کرده اند؛ به روشنی از دوازدهمین ایشان یاد نموده، شیعیان را از افتادن در دام انحراف و مدعیان، بر حذر داشته اند. (۳)

۱- ر.ک: منتخب الاثر، الفصل الاول فيما يدل على ان الائمة اثنا عشر...

۲- «الْأئِمَّةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَوْلَهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ آخِرُهُمُ الْقَائِمُ فَهُمْ خُلَفَائِي وَ أَوْصِيَائِي وَ أَوْلِيَائِي وَ حُجَجُ اللَّهِ عَلَي أُمَّتِي بَعْدِي الْمُقَرَّبِينَ بِهِمْ مُؤْمِنٌ وَ الْمُنْكَرُ لَهُمْ كَافِرٌ»؛ (من لايحضره الفقيه، ج ۴، ص ۱۷۹).

۳- «أَنَا وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ الْأئِمَّةُ النَّسَبُ مِنْهُ مِنْ وَ لَدِ الْحُسَيْنِ تَأْسِطَهُمْ مَهْدِيَّهُمْ وَ قَائِمُهُمْ لَا يُفَارِقُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَ لَا يُفَارِقُهُمْ حَتَّى يَرِدُوا عَلَي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سلم حَوْضَهُ»؛ (كمال الدين و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۴۰).

با شهادت یازدهمین پیشوای شیعیان در هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ ق، (۱) در حالی که بیش از پنج بهار (۲) از عمر آخرین ذخیره الهی سپری نشده بود، فصل بهره مندی مستقیم انسان ها از امام ظاهر به پایان رسید و در پی آن، دورانی بسیار مهم در زندگی پیروان اهل بیت علیهم السلام پیش آمد. این دوران، همزمان با دو رخداد مهم آغاز شد: رسیدن آخرین حجت الهی به مقام امامت و دیگری قرار گرفتن آن حضرت در پرده پنهان زیستی.

یکی از دانشوران معاصر در تبیین امامت در سنین کم، چنین می گوید:

... امامی که در کودکی به پیشوایی روحی و فکری مردم رسیده، و مسلمانان - حتی در کشاکش آن همه موج ویرانگر - باز خویشتن خویش را به پیروی و دوستی او گماشتند، به طور مسلم باید از دانش و آگاهی و گستردگی دید و دانا بودن به فقه و تفسیر و عقاید، بهره ای آشکار و چشمگیر داشته باشد؛ چون در غیر این صورت، نمی توانست مردم را به پیروی از خویش وادارد... به فرض مُحال که مردم نتوانستند حقیقت و واقعیت امر را دریابند، دستگاه خلافت و نیروی حاکم که آن همه دشمنی علنی با امام داشته، چرا بر نخاسته و پرده از رخسار حقیقت نیانداخته است؟ اگر امام خردسال، از دانش و سطح تفکر عالی برخوردار نبود، خلفای معاصر، خیلی خوب می توانستند جنجال به پا کنند؛ اما سکوت آن ها و سکوت تاریخ، گواه است که امامت در سنین کم، پدیده ای حقیقی بوده است، نه ساختگی. (۳)

۱- . کافی، ج ۱، ص ۵۰۳.

۲- الارشاد، ج ۲، ص ۳۳۹.

۳- جست و جو و گفت و گو پیرامون امام مهدی علیه السلام، ص ۴۷-۴۸.

البته پیش از آن که در مسیر هدایت جامعه، نوبت به پیشوایی جانشینان آخرین فرستاده الهی برسد، خداوند سبحانه و تعالی، پیامبرانی را در کودکی به مقام نبوت مفتخر ساخته بود (حضرت عیسی بن مریم علیها السلام (۱) و حضرت یحیی علیه السلام).

(۲)

روایت ها و شواهد تاریخی فراوان، گویای آن است که پیش از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در میان امامان دوازدهگانه، نخستین پیشوایی که در سن کودکی به امامت رسید، جواد الائمه علیه السلام بود. او که نهمین پیشوای شیعیان و یگانه فرزند حضرت رضا علیه السلام، بود در روز دهم رجب سال ۱۹۵ق در مدینه چشم به جهان گشوده، در هفت سالگی به مقام امامت رسید. (۳) از آن جا که این مسأله در دوران امامت بی سابقه بود، در ابتدا برخی بدان اعتراض کردند؛ ولی رفته رفته با هدایت های امام رضا علیه السلام و کرامت هایی از خود آن حضرت، دل شیعیان آرام گرفت.

معمر بن خلاد گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم مطلبی درباره امر امامت بیان کرد و سپس فرمود:

«ما خاندانی هستیم که خردسالانمان مو به مو از بزرگسالان مان ارث می برند». (۴)

این روایت، به روشنی بیانگر آن است که مقام امامت، به کمی و یا زیادی سن ربطی ندارد.

ابوبصیر گوید: خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم، در حالی که کودک نابالغی

۱- مریم (۱۹)، ۳۰.

۲- مریم (۱۹)، ۱۲.

۳- الارشاد، ج ۲، ص ۲۷۳.

۴- «مَا حَاجَّتْكُمْ إِلَى ذَلِكَ هَذَا أَبُو جَعْفَرٍ قَدْ أَجْلَسْتُهُ مَجْلِسِي وَ صَيَّرْتُهُ مَكَانِي وَقَالَ إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ يَتَوَارَثُ أَصَاغِرُنَا عَنْ أَكَابِرِنَا الْقُدَّةَ بِالْقُدَّةِ»؛ (کافی، ج ۱، ص ۳۲۰، ح ۲).

عصاکش من بود. حضرت به من فرمود: چگونه خواهید بود زمانی که حجت بر شما هم سال این کودک باشد؟» (۱) یا فرمود: «همسال این کودک بر شما ولایت داشته باشد». (۲)

صفوان بن یحیی گوید: به امام رضا علیه السلام گفتم: پیش از آن که خدا ابو جعفر را به شما ببخشد، درباره جانشینان از شما می پرسیدیم و شما می فرمودید: «خدا به من پسری عنایت می کند». اکنون او را به شما عنایت کرد و چشم ما را روشن نمود. اگر خدای ناخواسته برای شما پیش آمدی پدید آید به که بگوییم؟» حضرت با دست به ابو جعفر که برابرش ایستاده بود، اشاره فرمود. عرض کردم: «قربانت شوم! این پسر، سه ساله است». فرمود:

چه مانعی دارد؟ عیسی سه ساله [کمتر] بود که به حجت قیام کرد. (۳)

اگر چه برخی برابر این اراده از خود واکنش های نامناسبی نشان دادند، اما کم نبودند انسان های وارسته ای که برابر این خواست الهی، در کمال تواضع سر فروتنی و پذیرش فرود آورده، با خشنودی کامل آن را پذیرفتند. از جمله ایشان، علی بن جعفر بن محمد، عموی امام رضا علیه السلام بود که در کهولت سن، برابر امام جواد علیه السلام در نهایت فروتنی بر پیروی از ایشان تأکید می کرد. (۴)

از این جا بود که پیروان راستین اهل بیت علیهم السلام با این باور که مقام امامت امری فراتر از محاسبات ظاهری است در امامت امام هادی علیه السلام، با اطمینان بیشتری

۱- به نظر می رسد مقصود آن حضرت، امام جواد علیه السلام بوده است. اگر چه می تواند اشاره به امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز باشد.

۲- «كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا اخْتَجَّ عَلَيْكُمْ بِمِثْلِ سِنِّهِ؟، أَوْ قَالَ: سَيَلِي عَلَيْكُمْ بِمِثْلِ سِنِّهِ»؛ (کافی، ج ۱، حالات الأئمه عليهم السلام في السن، ح ۴).

۳- «وَمَا يَضُرُّهُ مِنْ ذَلِكَ فَقَدْ قَامَ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْحُجَّهِ وَهُوَ ابْنُ ثَلَاثِ سِنِينَ»؛ (همان، ج ۱، باب الاشارة والنص على ابي جعفر الثاني).

۴- همان، ج ۲، ص ۳۲۲، ح ۱۲.

آن را پذیرفتند؛ چرا که ایشان نیز در سنّ هشت سالگی به امامت رسید. (۱)

از آن جا که شرایط امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف متفاوت بود، تردیدهایی در ذهن شیعه پدید آورده، کار امام حسن عسکری علیه السلام را مشکل ساخت. آن حضرت، نه فقط در سن کمتر از دیگر امامان به امامت رسید، بلکه ولادتش نیز به خاطر مصالحی پنهانی بود و تا زمان امامت، جز اندکی، جمال دل آرای او را ندیده بودند. البته حافظه شیعه، آموزه های پیشوایان معصوم علیهم السلام پیشین را که با اقداماتی مناسب، برای این امر زمینه سازی کرده بودند (۲)، هرگز فراموش نکرده بود.

شایان ذکر است که افزون بر پیامبران و پیشوایان معصوم علیهم السلام که به تأیید الهی دارای ویژگی های خاصی هستند، بین انسان های معمولی نیز کسانی یافت می شوند که دارای نبوغ خاصی هستند که آن ها را از دیگران متمایز می کند. یکی از پژوهشگران معاصر، پس از بیان آیات و روایات، کودکان نابغه ای را مؤید رخداد فوق یاد کرده، افرادی چون ابو علی سینا، فاضل هندی، توماس یونگ، را فقط نمونه ای از این گونه انسان ها دانسته است. (۳)

برآیند سخن آن که: امامت مانند نبوت، موهبتی الهی است که خدای متعال به بندگان برگزیده و شایسته خود بخشیده است و در این بخشش سن و سال، دخالتی ندارد؛ از این رو امر پیشوایی در کودکی، نه فقط امری بعید نیست که در طول تاریخ میان پیامبران الهی علیهم السلام سابقه ای دیرینه دارد. و کسانی که برای خرده گیری بر پیروان مکتب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام این مطلب را دستاویز خود قرار داده اند، در بیان پیامبری برخی پیامبران و نبوغ برخی بزرگان دین و دانش هیچ تردیدی به خود راه نداده اند.

۱- ر.ک: الارشاد، ج ۲، ص ۲۹۷.

۲- غیبت نعمانی، ص ۳۲۲، ح ۱.

۳- دادگستر جهان، ص ۱۲۳-۱۲۴.

## زمینه سازی امام حسن عسگری علیه السلام برای غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

زمینه سازی امام حسن عسگری علیه السلام برای غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

زمینه سازی امام حسن عسگری علیه السلام برای غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف (۱)

به علت فشارهای روز افزون عباسیان بر امامان معصوم علیهم السلام و آزار و شکنجه آنان و نیز آماده نبودن جامعه برای پذیرش امامت امام مهدی، مشیت الهی چنین تعلق گرفت که آخرین وصی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام، حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف در غیبت فرو رود تا وجود مقدسش از گزند حوادث زمان، مصون بماند، در فرصت مناسبی به میان مردم بیایند و مردم از وجود پرفروغ آن امام بهره مند شوند.

طبیعی است که مردم و جامعه می بایست آمادگی های لازم را می داشتند تا موضوع غیبت امام را بپذیرند و دچار سردرگمی و انحراف در دین نشوند. از این رو، امام عسگری علیه السلام با انجام اقداماتی حکیمانه، در مسیر زمینه سازی و آماده کردن مردم برای پذیرش امر مهم غیبت امام دوازدهم (حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) قدم های بسیار مؤثری برداشتند که در این نوشتار به آن می پردازیم.

اول. خبر دادن از غیبت

از جمله اقدامات مهم امام حسن عسگری علیه السلام در زمینه سازی غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف طرح پیشاپیش مسأله غیبت بود. ایشان در موارد متعددی، غیبت

فرزندشان را - که جانشین پس از خودشان محسوب می شد - خبر دادند و اینگونه مردم و جامعه را برای پذیرش غیبت آماده کردند.

موسوی بغدادی نقل می کند: از امام حسن عسگری علیه السلام شنیدم که می فرمود:

گویا شما را می بینم که پس از من درباره جانشینم اختلاف می کنید. آگاه باشید که هر کس به ائمه بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اقرار کند، اما منکر فرزندم شود؛ مانند کسی است که به همه انبیای الهی و رسولانش اقرار داشته باشد، اما نبوت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را انکار کند، زیرا اطاعت از آخرین نفر ما، مانند اطاعت از اولین ماست و منکر آخرین نفر ما مانند منکر اولین ماست. آگاه باشید که برای فرزندم، غیبتی است که مردم در آن شک می کنند؛ مگر کسی که خدای تعالی وی را حفظ فرماید. (۱)

علی بن همام نیز از محمد بن عثمان عمری و او از پدرش نقل کرده است: من نزد امام عسگری علیه السلام بودم که از آن حضرت درباره خبری که از پدران بزرگوارش روایت شده است، مبنی بر این که: زمین از حجت الهی تا روز قیامت خالی نمی ماند و کسی که بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت در گذشته است، پرسیدند. ایشان فرمود: «این سخنان، حق است؛ همچنان که روز روشن، حقیقت دارد». گفتند: ای فرزند رسول خدا! حجت و امام پس از شما کیست؟ فرمود:

فرزندم محمد؛ او امام و حجت پس از من است؛ هر که بمیرد و او را نشناسد به مرگ جاهلیت در گذشته است. آگاه باشید که برای او غیبتی است که نادانان در آن سرگردان شوند، مبطلان در آن هلاک گردند و



کسانی که برای آن، وقت، معین کنند، دروغ گویند. سپس خروج می کند و گویا به پرچم های سپیدی می نگرم که بر بالای سر او در نجف و کوفه در اهتراز است. (۱)

دوم. ارتباط حداقلی با شیعیان

امام عسگری علیه السلام برای مهیا نمودن ذهنیت مردم و خصوصاً شیعه، درباره امر غیبت، شیوه نهان سازی خود را بیش از آنچه در زندگی امام هادی علیه السلام مورد توجه بود، به کار گرفت. از این رو، ایشان به جز ایامی که به دستور معتمد، برای دیدار وی از خانه بیرون می رفت و یا به جهت مصالحی که در نظر داشت، به کسی اجازه ملاقات می داد، یا خود، شخصاً به دیدار آنها می رفت، دیدار و ملاقات دیگری با مردم نداشت. (۲)

به گفته مسعودی، امام حتی برای شیعیان خود ظاهر نمی شد و از پشت پرده، با آنان سخن می گفت. (۳)

این عمل حضرت عسگری و پدر بزرگوارش، مقدمه ای برای غیبت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بود تا شیعیان با آن مانوس شده و منکر غیبت نشوند؛ چرا که اگر غیبت امام عصر، به صورت ناگهانی رخ می داد، وضعیت بسیار سخت و غیر قابل تحملی برای شیعیان به وجود می آمد و چه بسا درک غیبت امام زمان، برای یاران و اصحاب خاص حضرت هم مشکل می شد تا چه رسد به مردم عادی که مدت های زیادی با امام و حجت خدا به طور مستقیم ارتباط برقرار می کردند. در آن شرایط، حتی ممکن بود در اصل وجود حضرت مهدی، نیز شبهه ایجاد شود.

۱- همان، ص ۱۱۸.

۲- با خورشید سامرا، ص ۲۱۴.

۳- همان، (نقل از اثبات الوصیه).

از سوی دیگر، امام عسگری علیه السلام چون در پادگان نظامی سامرا، تحت کنترل شدید حکام عباسی بودند، غالباً با شیعیان فاصله داشتند و امور و ارتباطات ایشان از طریق مکاتبات و توقیعات و وکلا بود؛ مثلاً از طریق مکاتبه به سؤالات شیعیان پاسخ می دادند؛ ۵ تا جایی که «محمد بن یحیی» نقل کرده که «احمد بن اسحاق قمی» از امام عسگری علیه السلام طلب دست خطی نمود تا بدان وسیله، خط حضرت را از غیر آن باز شناسد. (۱)

بنابراین، می توان ارتباط مخفیانه و پنهانی امام با شیعیان را از تمهیدات مؤثر ایشان در زمینه سازی غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دانست.

سوم. تشکیل و تقویت سازمان وکالت

اقدام دیگر امام حسن عسگری علیه السلام برای زمینه سازی غیبت، ایجاد سازمان وکالت و تقویت آن بود. این نهاد که در عصر امام صادق علیه السلام تشکیل شد با فعالیت های مختلف و با نظارت امامان معصوم علیهم السلام کار خود را آغاز کرد و به تدریج تا زمان امام حسن عسگری علیه السلام شکل منسجم نظام مندی به خود گرفت.

الف) علل تشکیل سازمان وکالت

در مورد دلایل تشکیل سازمان وکالت، می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. لزوم ارتباط بین رهبری و پیروان

در هر نظام دینی، سیاسی یا اجتماعی، ارتباط بین رهبر و اعضای آن نظام، اجتناب ناپذیر است؛ بنابر این می بایست کسی یا کسانی از سوی امامان شیعه، تعیین می شدند تا به عنوان وکلای آنها، با شیعیان ارتباط برقرار می کردند. این مسأله زمانی روشن تر می شود که به گستردگی عالم اسلامی در آن عصر و

پراکندگی شیعیان در نقاط مختلف، اعم از عراق، حجاز، ایران، یمن، مصر و مغرب توجه کنیم. از آنجایی که همه شیعیان، توانایی مسافرت به مدینه و سایر شهرهای اقامتی امامان را نداشتند، پس لازم بود کسانی به عنوان نمایندگان و افراد مورد اعتماد امام، شناخته شوند. (۱)

۲. خفقان حکومت عباسی و لزوم حفظ شیعیان و مکتب توسط امام

هر چند وجود خفقان را نمی توان علت اصلی تشکیل نهاد و کالت دانست، ولی به طور قطع، این مسأله، علت تشدید فعالیت این نهاد و گسترش و توسعه آن بوده است. (۲)

۳. آماده سازی شیعیان برای عصر غیبت

بدون تردید، یکی از وجوه روی آوری ائمه علیهم السلام به تشکیل این نهاد، آماده سازی شیعیان برای پذیرش وضعیت جدید در عصر غیبت بود؛ عصری که شیعه در آن جز از طریق سفرا و وکلای امام، امکان ارتباط با ایشان را نداشت. با توجه به همین حقیقت بود که هرچه شیعه به عصر غیبت نزدیک تر می شد، راه ارتباط مستقیم او با امام نیز محدودتر می گشت و در مقابل، نهاد وکالت نیز تقویت می شد؛ تا حدی که در زمان امامین عسگرین علیهما السلام غالب ارتباطات شیعه با این دو امام بزرگوار، از راه مکاتبه و یا وکلا- و نمایندگان، صورت می گرفت. از این رو، می توان گفت که حداقل در عصر دو امام هادی و عسگری علیهما السلام تقویت نهاد وکالت به خاطر تمهید و زمینه چینی برای ورود شیعه به عصر غیبت بوده است. (۳)

۱- تاریخ عصر غیبت، ص ۱۳۹.

۲- همان، ص ۱۴۰.

۳- همان، ص ۱۴۱.

ب) وظایف و شئون نهاد و کالت

۱. دریافت وجوه شرعی

از آغاز تأسیس این نهاد، وکلا موظف به جمع آوری و توزیع وجوهات شرعی بودند. به عنوان نمونه از «معلی بن خنیس» به عنوان وکیل و قیم مالی امام صادق علیه السلام در مدینه یاد شده است که فعالیت او در جهت جمع آوری وجوهات از شیعیان، سبب سوء ظن عباسیان و سرانجام، شهادت وی شد. دریافت اموال در عصر امام عسگری علیه السلام به خاطر وجود جوّ خفقان، بدون قبض رسید، انجام می شد. (۱)

۲. رسیدگی به اوقاف

برای مثال، حسن محمد قطاه صیدلانی، در رسیدگی به امور وقفی در «واسط» وکالت داشت. (۲)

۳. راهنمایی و ارشاد شیعیان و مناظره با مخالفان

یکی از شئون مهم این نهاد، راهنمایی و ارشاد شیعیان به وظایف و اصول صحیح مکتب بوده است. تردیدی نیست که وقتی کسی به عنوان وکیل یک امام معصوم به اهالی یک شهر یا منطقه معرفی می شود، می بایست از نظر شناخت و آگاهی، برتر از سایر افراد باشد و از این جهت، وکلا، غالباً توسط شیعیان مورد سؤال واقع می شدند.

۴. نقش سیاسی نهاد وکالت

اهتمام حاکمیت عباسی در عصر غیبت برای شناختن اعضای نهاد وکالت، نشان از وجود نقش سیاسی این نهاد دارد.

۵. نقش ارتباطی نهاد وکالت با مردم

۱- همان، ص ۱۴۲-۱۴۳.

۲- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۳۶؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۰۴.

و کلا - به عنوان رابطین امام در شهر های مختلف - به پرسش های شرعی، کلامی و اعتقادی مردم پاسخ می دادند، مکاتبات و نامه ها را به محضر امام می رساندند و پاسخ های شفاهی را دریافت می کردند. (۱)

با توجه به چنین ضرورت و کارکردی بود که امام حسن عسگری علیه السلام نمایندگان مورد اعتمادی را منصوب می نمود تا برای حل مشکلات دینی و دنیوی شیعیان، رابطه میان آن حضرت و آنان باشند و شیعیان با موضوع مراجعه به نمایندگان، مأنوس شوند. این مطلب از نامه ای که آن حضرت به «احمد بن اسحاق اشعری» نوشت و در آن، نماینده مورد اعتماد و امین خود، «عثمان بن سعید عمری» را مورد تأیید و حمایت قرار داد، بر می آید. امام عسگری علیه السلام در آن نامه فرمود:

ابوعمر، ثقه، امین و مورد اعتماد امام قبلی بوده و در زندگی و پس از مرگ من نیز مورد اعتماد من است، سخنش را بشنو و از او اطاعت کن؛ زیرا او مورد اعتماد و امین است. (۲)

امام حسن عسگری علیه السلام به جهت حفظ و نگهداری اموال مسلمانان، بیم از تباه شدن و از بین رفتن آنها و نیز برای دریافت حقوق شرعی از مردم و توزیع آنها میان نیازمندان و تهیدستان، نمایندگان و وکلایی تعیین فرموده بود تا شیعیان برای حل مشکلات شرعی و اجتماعی خود به آنها پناه ببرند. ایشان به بعضی از وکلای خود - مانند «ابراهیم بن عبده نیشابوری» - فرمان داد تا حقوق شرعی را به آن حضرت برسانند. همین طور «عثمان بن سعید عمری» را به عنوان وکیل تامّ الاختیار خود در بغداد تعیین فرمود، به مردم و همه وکلا- دستور داد تا با او در ارتباط باشند و همه حقوق واجب الهی و دیگر جوهی را که نزدشان است به او

۱- تاریخ عصر غیبت، ص ۱۴۶-۱۴۷.

۲- غیبت طوسی، ص ۳۵۴.

تحويل دهند. (۱)

با وجود این، امام عسگری علیه السلام کارهای انجام شده توسط وکلا را زیر نظر داشتند و به هیچ عنوان از اعمال آنها غافل نبودند و بدین سان، فرهنگ باور به امام غایب و رجوع به نایبان را در میان شیعه، نهادینه فرمودند.

---

۱- با خورشید سامرا، ص ۲۹۸.

## روزی مهم، اما بی نام

روزی مهم، اما بی نام (۱)

وقتی تقویم رسمی کشور را ورق می‌زنیم. خیلی از چیزها نام خاصی در تقویم داشتند، جایگاهی داشتند. از بزرگداشت بزرگان و مفاخر گرفته تا روز کتاب و جوان و سالمندان و معلولان و روز زن و مادر و شیر مادر و... به نظر جالب می‌آید. روزهای دیگری هم داشتیم؛ روز آب، منابع طبیعی، روز غذا، بهزیستی، روز زمین پاک و درختکاری، روز احسان و نیکوکاری، روز حمل و نقل و ثبت احوال و ...

مناسبت روز نهم ربیع الاول هر چند بسیار ویژه بود؛ اما عجیب است که گویا جایی در تقویم کشور شیعی ما ندارد! این روز مصادف با نخستین روز امامت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف است. ولی نگاهی به تقویم بیندازیم؛ چندان اشاره‌ای بدان نشده است!

در تمام روزهای سال فقط دو روز را غیر از جمعه، متناسب با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌یابیم. یک روز همان «روز مستعفان جهان»، مصادف با سالروز ولادت آن امام است و دیگری «روز نهم ربیع الاول»، آغازین روز امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. برای این روز فرخنده شما چه نامی را پیشنهاد می‌کنید. این نام علاوه بر اینکه در

خور این روز و زبینه آن یار غایب از نظر هست، باید در معنا و مفهوم بر تلاش و تحرک مریدان آن حضرت در جهت زمینه سازی برای ظهور ایشان هم تأکید داشته باشد. در این جا چند عنوان پیشنهادی هم برای این روز مطرح می کنیم.

۱. روز عید تولد عدالت جهانی؛

۲. روز جبران اندوه شیعه در شهادت امام عسکری علیه السلام با تداوم خط امامت در ولایت مهدوی؛

۳. نهم ربیع روزی است که شیعه با امام زمان خودش بیعت مجدد می کند، بیعت نیز به معنای انتظار عملی به آنچه که امام بگوید و امام بخواهد؛

۴. روز عهد و بیعت جدید با امام زمان؛

۵. شاید بشود از قرآن الهام گرفت که عید غدیر، اکمال دین است. نهم ربیع تحقق این کمال در جامعه بشری است. بنابراین روز امامت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف یعنی روز تحقق بخشیدن به کمال دین در جامعه بشری، یا نهم ربیع روز احتضار کفار و شیاطین برگرفته از آیه: ((الْيَوْمَ يَنْسَأ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ))؛ (۱)

۶. روز عید امامت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و عید مستضعفین جهان؛

۷. چون نهم ربیع در راستای بعثت و غدیر قرار دارد بنابراین نام دومین غدیر برای این روز مناسب است؛

۸. روز امامت بنامیم؛

۹. نهم ربیع، سرآغاز و شروع زندگی نوین و منتظرانه برای رسیدن به جامعه مطلوب الهی است؛

۱۰. روز شکرگزاری؛

۱۱. نهم ربیع، روز میثاق با امام خوبی ها است؛



۱۲. آغاز زندگی مسلمانان به رهبریت دینی امامی نوین؛

۱۳. روز بیعت، روز پیمان با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، روز یاد موعود نامگذاری شود؛

۱۴. نهم ربیع شروع آخرین فاز تحقق اهداف انبیای الهی است. یعنی این فاز آخر از نهم ربیع شروع می شود.

ص: ۵۳

بخش دوم. مصاحبه ها

اشاره

## نهم ربیع، جشن و بیعت؛ چرا و چگونه؟!

وقتی سخن از برگزاری جشن یا شادمانی به مناسبت آغاز امامت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و بیعت با ایشان می شود، برخی می پرسند: معنای این کار چیست؟ مگر در عصر امامان شیعه چنین رسمی بوده است که امامی شهید شده و روز بعد، برای امامت فرزندش شادمان باشند؟ پرسش دیگر اینکه آیا این درست است که عده ای قصد دارند با طرح جشن نهم ربیع به عنوان آغاز امامت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف با برنامه های دیگر در چنین روزی مقابله کنند؟ و اصولاً بیعت با امام یعنی چه و چه ثمره ای دارد؟ این ها پرسش هایی است که می خواهیم نگاه حجت الاسلام دکتر محمدصابر جعفری مدرس و مولف کتابها و مقالات تخصصی مهدوی را در این باره بدانیم:

۱. آیا شیعیان برای به امامت رسیدن امامی، جشن می گرفته اند؟

دو نوع شادمانی برای به امامت رسیدن امام داریم. یک نوع وقتی است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، حضرت علی علیه السلام را به عنوان امام معرفی می کند. برای این امر، مراسم داشتیم و امامان هم بر آن و بزرگداشت آن تأکید کرده اند؛ البته جشنی متناسب با عرف زمانه خودش؛ یعنی وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، حضرت علی علیه السلام را به عنوان امام در غدیر مطرح می کنند که یک حالت عمومی دارد، این همراه خودش، جشن دارد؛

تا چند روز افراد به امیرالمؤمنین علیه السلام تبریک می گفتند؛ حتی بعد از این واقعه هم، وقتی کسی خبردار می شد به آن حضرت تبریک می گفت؛ چون پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده بودند که حاضران به غایبان بگویند. حاجیانی که به مناطق خودشان برمی گشتند و این خبر مهم را به منطقه خودشان می رساندند، عده ای که تازه خبردار می شدند باز هم به امیرالمؤمنین علیه السلام تبریک می گفتند.

جشن گرفتن در این روز در سیره علما هم بود است. با اینکه عید قربان و عید فطر از عیدهای اسلامی است؛ اما علاوه بر این دو عید، عید غدیر را بسیار گرامی می داشتند.

اما نوع دوم، آغاز امامت، بعد از شهادت امام قبلی است. سیره اهل بیت علیهم السلام در این مورد چگونه بوده است؟ اول اینکه طبیعی است که ایشان به مناسبت شهادت امام قبلی، محزون بوده اند. شیعیان نزد امام جدید می آمدند و ابتدا شهادت امام قبلی را تسلیت می گفتند و سپس با امام جدید بیعت می کردند. امام علیه السلام با تعابیر مختلف به اینها می گفتند خوشحال باشید که با ما هستید و شیعیان هم خوشحال بودند که گمراه نشده اند و امام بعدی را شناخته اند و مثلاً هفت امامی نمانده اند؛ به خصوص تا زمان امام رضا علیه السلام که سرآغاز دوازده امامی شدن شیعه است؛ یعنی ما هفت امامی و شش امامی داریم، اما هشت امامی نداریم؛ هر کسی امام رضا علیه السلام را پذیرفته است بقیه ائمه را هم قبول کرده و دوازده امامی شده است.

البته اهل بیت علیهم السلام در یک فضای حزنی زندگی می کردند و می فرمودند بنی امیه برای ما عید نگذاشتند؛ بنابراین سیره آنها بیشتر به تسلیت و حزن متمایل بوده است.

در تقویم های ایران قدیم، این روز به نام تاجگذاری امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف مطرح بوده است، ولی پس از انقلاب اسلامی، تعبیر تاجگذاری تغییر کرد. این سخن صحیح نیست که کسی بگوید ما در بین علما، کسی را نداشتیم که به نهم ربیع اهتمام

۲. آیا این نهم ربیع را در مقابل آن نهم ربیع درآورده اند؟!

خیر. جشن و شادمانی برای آغاز امامت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف پیش از انقلاب اسلامی هم بوده است و اصلاً حادثه دیگری در نهم ربیع نبوده است. خلیفه دوم در اواخر ذی الحجّه از دنیا رفته است و ربطی به نهم ربیع ندارد؛ البته چون نهم ربیع به روز قتل خلیفه دوم معروف بود، بنابراین برای برخی از سالروز آغاز ولایت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف پررنگ تر بود؛ اما به این معنا نبود که آغاز امامت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف مورد غفلت واقع شود؛ البته دست هایی در کار است؛ دست هایی که می خواهند وحدت را برهم بزنند؛ و گرنه کسانی که در نظام ما دم از وحدت زدند، از همه بیشتر تبیین گر ولایت بوده اند، مثل امام راحل صلی الله علیه و آله و سلم؛ این همه از وحدت صحبت کرد، ولی خود امام رحمه الله از همه بیشتر ولایی و مبلغ ولایت بود؛ از همه بیشتر درباره ولایت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و ائمه علیهم السلام و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام سخن گفت. مقام معظم رهبری هم از وحدت صحبت می کنند و هم در مورد جایگاه اهل بیت علیهم السلام، جایگاه برتری امیرالمؤمنین علیه السلام، جایگاه برتری اهل بیت علیهم السلام صحبت می کنند، و یا مجالس و روضه هایی که در بیت خودشان برگزار می کنند، هیچ کدام منافاتی با بحث وحدت ندارد؛ اما برخی از آدم هایی که دم از وحدت می زنند، فحش هم می دهند، لعن هم می کنند؛ هیچ موفقیتی در جهت ترویج و تبلیغ مکتب اهل بیت علیهم السلام و ترویج شیعه نداشته اند.

۳. بیعت چیست؟

بیعت از بیع می آید به معنای معامله و خرید و فروش؛ قرآن می فرماید: ((وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ؛ (۱))  
برخی از مردم هستند که جان

خودشان را برای رضای خداوند متعال می فروشند)). و یا تعبیری که در مورد انسان وجود دارد این است: انسان در یک نوع معامله قرار دارد، ((وَالْعَصِيرُ؛ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ))؛ انسان در سود و زیان است. وقتی دنیا مزرعه شد، انسان دائم در حال معامله است و در سود و زیان است و دائم دارد از او کم می شود و خسر یعنی همین.

اگر انسان در معامله و سود و زیان است، دین، بیع او را جهت می دهد و جهت دهی آن، بیعت با امام است. در واقع کار دین جهت دهی به معاملات انسان است؛ جهت دهی به اینکه تو زندگی ات را، فکرت را، ذکرت را، وقت را، قلمت را، عُلقه هایت را، دغدغه هایت را و هزینه های مالی ات را برای چه مصرف کنی؟ اگر جهت ندهی، خُسر است، مثل یخی که دارد آب می شود سرمایه هایت هم دارد نابود می شود. دین جهت می دهد که سرمایه های وجودت را به چه کسی بفروشی. امام علی علیه السلام می فرماید:

الا ان ثمنك الجنة فلا تبيعوها الا بالجنة؛ آگاه باشید که قیمت جان شما بهشت است، پس نفروشید آن را مگر به بهشت.

تازه این بهای جان شماست و بالاتر از این روح شماست که بهای آن، خود خداست. پس حالا که قرار است جان ما برود، برای چه و برای چه برود؟ چه بخواهیم و چه نخواهیم این جانمان دارد رایگان می رود. چه خوب است که این جانمان را به دست کسی بسپاریم که هم خوب مدیریت می کند و هم دوستان دارد.

بیعت این ثمره را هم دارد که وقتی فهمیدی طرف حسابت امام حسین علیه السلام یا امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است، رفتارت، زندگی ات، برخوردت، همه به او بیشتر متمایل می شود.

۴. آیا این بیعت سابقه داشته است؟

چنانکه گفتیم، تجدید عهد و پیمان و بیعت با امام، سابقه داشته است؛ به عبارت دیگر، سیر زندگی اهل بیت علیهم السلام اینگونه بوده است که هرگاه امامی به شهادت می رسید، شیعیان نزد امام بعدی می آمدند و عرض ارادت می کردند و ضمن عرض تسلیم شهادت امام قبلی، با امام جدید هم تجدید عهد و بیعت می کردند؛ حتی امامان قبل از شهادت، برای امام بعد از خود نیز از مردم بیعت می گرفتند؛ مثلاً پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، در غدیر خم نسبت به حضرت علی علیه السلام از مردم بیعت گرفتند و فرمودند: «من كنت مولاه فهذا علي مولاه»، بعد دستور دادند که همگان بر قبول ولایت و وفاداری نسبت به آن با امیرالمؤمنین علیه السلام بیعت کنند، به نقل تاریخ سه شبانه روز طول کشید تا همگان توانستند با علی علیه السلام بیعت کنند؛ حتی خانم ها هم با قرار دادن دستشان در ظرف آبی با آن حضرت بیعت کردند و یا پیامبر فرمود: «سَلِّمُوا عَلَيَّ عَلَيَّ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (بامره المؤمنین)؛ به حضرت علی به عنوان امیرالمؤمنین سلام دهید». گاهی وقت ها پیامبر یا امام، نسبت به امام بعدی، از افراد عهد و پیمان خصوصی و عمومی می گرفتند. جالب اینکه گاهی هم برای خودشان از مردم عهد و پیمان و بیعت می گرفتند؛ مثلاً پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم از مسلمانان همراه خویش بیعتی گرفت که بعدها «بیعت رضوان» نامیده شد. ائمه علیهم السلام هم برای امامت خودشان از مردم بیعت مجدد می گرفتند یا متذکر بیعت گذشته می شدند. روایاتی که «انشدکم الله» دارد به این موضوع برمی گردد. حضرت علی علیه السلام چند بار متذکر بیعت می شوند؛ امام حسین علیه السلام نیز یک سال پیش از واقعه عاشورا در منی، یادآور بیعت می شود و وقتی امام حسین علیه السلام و حضرت علی علیه السلام از مردم می خواهند و جواب نمی دهند، آنها را نفرین می کنند. «انشدکم الله»، شما را به خدا قسم می دهم که شما نبودید که پیامبر فرمود: «اولی بکم من انفسکم»؟ چهار پنج تا از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می گویند ما پیرمرد شدیم و یادمان نمی آید که حضرت آنها را نفرین می کند. این نکته مهم است که گاهی

وقت ها امام، جامعه را به آن بیعت با خود متذکر می شود.

بنابراین با نزدیک شدن به ایام نهم ربیع الاول، آغاز امامت یگانه منجی عالم بشریت و سخن از بیعت با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ برای کسی احساس غریبی پیش نیاید؛ زیرا تجدید عهد و بیعت برای جریان امامت علیه السلام چیز عجیبی نیست.



## بازگشت به احیای جشن امامت زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

حجت الاسلام مصطفی صادقی، متخصص در تاریخ اسلام و تشیع، نویسنده کتاب های «شرح غم حسین»، «ترجمه مقتل خوارزمی»، «دولت مردان شیعه»، «تحلیل تاریخی نشانه های ظهور» است. کتابی دیگر با عنوان «پیامبر و یهود» از این نویسنده و محقق به چاپ رسیده که علت نگارش آن را برخوردهای پیامبر با یهود می داند. عنوان پایان نامه اش «کاشان در مسیر تشیع» و مربوط به قرن های اولیه تشیع است.

همشهری سهراب است! برای همین سعی کردیم نرم و آهسته به سراغش برویم. دفترش را در طبقه سوم پژوهشگاه پیدا کردیم و به گفت و گو نشستیم.

معمولاً رسم بر این بوده که نهم ربیع الاول را جشن بگیرند، ولی بعضی افراد به این بهانه کارهایی می کنند که در شأن شیعه نیست، با توجه به اینکه شما نویسنده مقاله «رد قتل عمر در روز ۹ ربیع» هستید، برای بررسی این موضوع به سراغتان آمدیم. درباره این مقاله و انگیزه تدوین آن توضیح دهید، آیا مقاله را منتشر هم کردید؟

متأسفانه پیش از این به مناسبت نهم ربیع، در کاشان رفتارهایی از بعضی افراد سر می زد که علاوه بر ضربه زدن به بحث وحدت بین شیعه و سنی، در شأن

شیعه هم نبود. جرقه اولیه این مقاله از یک تحقیق کلاسی شروع شد که با تشویق بعضی دوستان مصمم به پیگیری آن شدم.

انگیزه این تحقیق هم نگاه فرقه ای و نه تاریخی، به ماجرای قتل خلیفه دوم و مناسبت نهم ربیع بود. آن زمان بنا به دلایلی با چاپ چنین مطالبی موافقت نمی شد، شاید تعداد محدودی از آن به شکلی چاپ شده باشد.

پس از عنایت ویژه مقام معظم رهبری بر بحث وحدت و سخنرانی های آیت الله تسخیری (۱)، سیاست نظام بر حفظ وحدت و تقویت آن قرار گرفت. پس از آن، فضا برای نشر چنین مطالبی باز شد و گرنه سستی ها نمی پذیرفتند؛ چرا که این بحث نزدیک به ۳۰۰ - ۴۰۰ سال (از صفویه به این طرف) جا افتاده بود و پذیرش آن مشکل بود.

چه نیازیست که آغاز امامت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را جشن بگیریم؟ اگر خوب است، چرا آغاز امامت بقیه ائمه علیهم السلام را جشن نمی گیریم؟

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف امام حاضر ماست، ما عصرِ ائمه دیگر را درک نکردیم، ولی ایشان حاضر است؛ از این رو هم ولادتش در نیمه شعبان، هم آغاز امامتش در نهم ربیع، برای ما اهمیت دارد و این جشن جزو همان روایت است که می فرماید: «شیعیان ما در ایام شادی ما شاد هستند».

برای اینکه جشن نهم ربیع به عنوان آغاز امامت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به صورت فراگیر برگزار شود چه باید کرد؟

درستش هم همین است؛ چرا که شهادت امام عسکری علیهما السلام هشتم ربیع است و طبیعتاً بعد از شهادت ایشان، ولایت امام زمان آغاز می شود. این جشنی است که در بین شیعه بوده است و همین هم، منشاء نهم ربیع به عنوان قتل خلیفه دوم

شده است؛ چرا که زمان مرگ خلیفه دوم را از ۲۶ ذیحجه تا اول محرم گفته اند، چون وقتی مجروح شد، بعد از دو سه روز از دنیا رفت.

شیعیان چون دیدند این واقعه مصادف با ابتدای محرم و صفر است؛ و این دو ماه خیلی هم برایشان اهمیت دارد، این تاریخ را به فراموشی سپردند و بعد از محرم و صفر و بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام این برنامه را گذاشته اند.

حالا چه بهتر که به خاطر وحدت و عدم ایجاد تنش برگردیم و بر امامت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تأکید کنیم، البته بحث تولی و تبری لازم است، اما اگر قرار باشد ما به روش غیر اصولی جشن بگیریم، آنها هم مقابله به مثل می کنند.

ما باید برگردیم به همان سنت قدیم؛ یعنی احیای جشن امامت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، دست اندرکاران مهدویت هم نظرشان بر این است و الآن هم در رسانه ها ترویج می شود. این کار بسیار راحت است و خیلی هزینه نمی خواهد، چرا که زمینه آن فراهم است.

چه پیشنهادی برای دوستداران حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف در این روز دارید؟

پیشنهاد می کنم زندگی حضرت، مهدویت و غیبت را مطالعه کنند. خرافات و مطالبی که این طرف و آن طرف گفته می شود و در کتب معتبر نیامده است را رها کنند. چه در این روز و چه در نیمه شعبان، باید به سمتی برویم که امام زمانمان را بشناسیم و بتوانیم به کسانی که حتی این اعتقاد را به تمسخر می گیرند پاسخ گو باشیم.

این اعتقاد را در خود قوی کنیم و شبهه ها را پاسخ دهیم. بهتر است در کنار برگزاری جشن، کتاب های معتبر درباره ائمه علیهم السلام را بخوانیم. البته تبلیغات و شور و هیجان چه در عزاداری و چه در جشن لازم است، اما نباید فقط هیجان و شور باشد.

حدیثی در بین مردم درباره نهم ربیع شایع است که می گوید در این روز قلم از

مسلمانان برداشته می شود (رُفِعَ القلم) و اعمال آنها نوشته نمی شود و شاید به همین بهانه است که بعضی افراد در این روز مرتکب برخی اعمال می شوند. درباره این حدیث توضیح دهید.

حدیث جعلی و دروغین رفع القلم خلاف شرع است، در جای خودش روایت شده است، هر چیزی که با قرآن مقایسه شود و مخالف آن باشد را به دیوار بکوبید.

یک وقتی حدیث رفع القلم را برای یکی از مراجع مطرح کردم و گفتم که سند هم دارد، ایشان فرمودند: احادیث بسیاری وجود دارد که برای آنها سند جعل کرده اند.

البته من سلسله سند این حدیث را هم از سه منظر بررسی کردم. ابتدا از لحاظ منبع، یعنی کتابی که حدیث در آن آمده، دوم از لحاظ سند و سلسله راویان، سوم از لحاظ محتوا. این حدیث نه در منابع معتبر آمده، نه راویان معتبری دارد و اکثر رجالش (کسانی که آن را نقل کرده اند) شناخته شده نیستند و نه محتوای درستی دارد؛ بنابراین، روایت نه تنها سندش ضعیف است، بلکه محتوای آن هم با قرآن سازگار نیست.

علاوه بر اینها خود حدیث هم ابهام دارد و معلوم نیست که درباره کیست؟ در این حدیث به اسم عمر بن خطاب تصریح نشده است؛ بلکه نام «ابوالخطاب» آمده است که مجهول است. به خصوص که باید توجه داشت نام یکی از غالیان زمان امام صادق علیهما السلام، ابوالخطاب بوده است.

برای نهم ربیع چه پیامی دارید؟

شیعه پس از سالیانی که بر او ظلم روا شده بود، وقتی به اوج رسید، به خاطر کینه ای که از دشمنان اهل بیت داشت، سعی کرد با این برنامه مخالفت خود را اعلام کند، ولی در دوره های بعد، حتی دشمنان مشترک مسلمانان برای اختلاف

شیعه و سنی به این مراسم دامن زدند؛ حالا زمان آن است که به ترویج امامت زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، البته به شکل صحیح، بازگردیم.

## اهمیت نهم ربیع

یکی از روزهای مهم ماه ربیع الاول، روز نهم این ماه است؛ روزی که بسیاری به اشتباه تصور می کنند مناسبت این روز قتل خلیفه دوم است؛ حال آنکه مورخان، ۲۸ ذی الحجه را روز درگذشت وی می دانند. نهم ربیع الاول نخستین روز امامت و ولایت یگانه منجی عالم بشریت، حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف است که پس از شهادت پدر بزرگوارشان امام حسن عسکری علیه السلام، به این مقام نائل شده اند. به مناسبت این روز مبارک، به سراغ کارشناسان عرصه مهدویت رفتیم و درباره اهمیت این روز و وظیفه ما شیعیان آن حضرت در این باره، گفت و گو کردیم.

۱. آغاز امامت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف چه اهمیتی دارد و چرا باید این روز را جشن گرفت؟

حجت الاسلام والمسلمین مجتبی کلباسی (مدیر مرکز تخصصی مهدویت): همه انبیا و ائمه یک روزی، روز شروع و آغاز کارشان بود که به امر الهی اقدام به دعوت به سوی پروردگار کرده اند. ولی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، امام حی و زنده ما هستند و آخرین وصی و حجت الهی؛ بنابراین آغاز امامتشان یک تمایزی با آغاز ولایت دیگر اولیای الهی دارد، و ما با بزرگداشت این روز، توجه و وظیفه خودمان را نسبت به امر امامت آن حضرت ابراز می کنیم.

حجت الاسلام جواد محدثی (نویسنده، پژوهشگر): به همان دلیلی که باید «غدیر خم» را جشن گرفت و اهتمام ورزید و جایگاه امامت و رهبری امام معصوم را ارج نهاد، آغاز امامت هر امام نیز، شایسته تکریم است، ولی نسبت به ائمه دیگر چنین رسمی نبوده و معمولاً روز وفات یا شهادت هر امام، آغاز امامتِ امام بعدی هم هست و در یک فرصت، هم داغ شهادت امام است، هم سرور برای امامتِ جانشین او؛ لیکن درباره حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف این مسئله اهمیت خاصی پیدا می کند، چون آن امام، هم اکنون زنده است و دوران ما، دوران امامت اوست و آن حضرت، «امام عصر» ما است و برای این که دل ها و ذهن ها توجه بیشتری به آن حضرت پیدا کند و مسئله امامت در عصر غیبت از یادها نرود و شوق انتظار در دل ها برافروخته تر شود، سالروز آغاز امامت آن حجت الهی را یاد می کنیم و جشن می گیریم؛ به خصوص با توجه به شرایط حاضر در جهان معاصر که نسبت به وجود آن حضرت، از سوی دشمنان اهل بیت، تشکیک می شود و «مهدی باوری» را زیر سؤال می برند، گرامیداشت این روز، تلاش برای ریشه دارتر کردن این باور اسلامی و شیعی در دل های اهل ایمان و منتظران ظهور آن حضرت است.

حجت الاسلام علی صدوقی (استاد و مشاور اخلاق و تربیت مهدوی): مهمترین و محوری ترین بحث نهم ربیع، آغاز ولایت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. اگر بتوانیم از نهم تا هفدهم ربیع الاول را که تولد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است، به عنوان دهه امامت و رسالت نامگذاری کنیم، کار بسیار مهمی کرده ایم؛ در این صورت بهتر می توانیم از فرصت ایجاد شده بهره ببریم. بدانیم که در این روز مأموریت اصلی، سه چیز است؛ اول، باید شناخت و معرفت به امام را در جامعه بیشتر کنیم؛ دوم، انس به آن حضرت را در جامعه افزایش دهیم؛ سوم این که وظایف و تکالیف مردم را در عصر غیبت بیان کنیم.

حجت الاسلام محمد رضا فؤادیان (معاون پژوهش بنیاد فرهنگی حضرت

مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف): درباره آغاز امامت زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، جشن باشکوه و ویژه می گیریم، اما باید مراقب باشیم که مرتکب اعمال خلاف شرع نشویم چرا که علمای ما اصرار دارند که به مقدسات دیگر مذاهب توهین نشود و سیره اهل بیت علیهم السلام هم این گونه نبوده است که مجالس توهین آمیز برگزار شود. الآن هم در شبکه های ماهواره ای، گوشه هایی از برخی مراسمات غلط را برای مسلمانان جهان پخش می کنند و می گویند شیعیان چنین حرف هایی را درباره صحابه می زنند؛ بنابراین برای برگزاری این گونه جشن ها باید یک تجدید نظر و تدبیر خاصی انجام شود. شادی در دین جایگاه مهمی دارد، ولی امروزه تندروی هایی در این باره صورت می گیرد که قطعاً اهل بیت علیهم السلام از آن راضی نیستند.

حجت الاسلام رحیم کارگر (عضو پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی): نهم ربیع الاول آغاز امامت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نویدبخش حکومت عدل جهانی موعود و بشارت دهنده جامعه زیبای معنوی است. آرمان شهر الهی که در همه ادیان گفته شده است و همه مکاتب درباره آن صحبت کرده اند، با تولد و به امامت رسیدن امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وارد فاز عملیاتی شده است. غیبت آن حضرت به معنای انقطاع و دور دست بودن این جامعه نیست؛ بلکه به این معنا است که بشر باید خود را آماده کند. به همین سبب، این روز را باید بسیار بزرگ بدانیم. این روز، روز شکرانه ولایت و نعمت بزرگ الهی است. بنابراین جا دارد در مساجد و محافل و نشست ها، برنامه شکرگزاری داشته باشیم؛ حتی در مسیحیت هم یک روز شکرگزاری هست. چه خوب است که روز شکرگزاری ما روز آغاز امامت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد.

حجت الاسلام محمدرضا نصوری (کارشناس مباحث مهدویت و فرقه های انحرافی): این روز را برخی به نام عید الله اکبر، غدیر دوم بیان کرده اند. در غدیر با حضرت علی علیه السلام بیعت کردند. این روز هم ما با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بیعت می کنیم؛



در این روز به نوعی اظهار علاقه خود را نسبت به امام زمان خودمان داشته باشیم. آغاز امامت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را برای این جشن می‌گیریم که ایشان تنها امامی است که زنده بوده و الآن غایب است و ما با برگزاری مجالس جشن و شادی در هر سال با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تجدید بیعت می‌کنیم؛ یعنی به نوعی می‌خواهیم این نگاه را داشته باشیم که در دوران عدم ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و دوران غیبت کبری، امام، حاضر و ناظر بر برنامه‌ها و کارهای ماست.

حجت الاسلام مهدی یوسفیان (کارشناس و استاد مباحث مهدویت): برای حرکت در مسیر دین هم انسان باید متناسب با زمان خودش دین را کامل تر بشناسد و هم نیاز دارد به اینکه کسی او را راهنمایی و راهبری و دستگیری کند. امامت ادامه رسالت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم و امام جانشین او کسی است که راهبری و راهنمایی انسان را به عهده دارد و انسان را دستگیری می‌کند، بنابراین ما چون در زمان امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف هستیم، ایشان کسی است که راهنمایی ما را به عهده گرفته و واضح است که ما باید نسبت به ایشان توجه خاصی داشته باشیم و روز ولادت و روز آغاز امامتشان را، که سرپرستی ما را به عهده گرفته‌اند، گرامی بدراریم. علاوه بر آن، امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف یک ویژگی دیگر دارند که سایر حجت‌های الهی نداشته‌اند و آن اینکه این بزرگوار تحقق بخش آرمان‌های الهی و ثمره تلاش حجت‌های آسمانی هستند و جهان را از آلودگی‌ها پاک می‌کند. طبیعتاً آغاز امامت ایشان یک لذت و سروری دارد که باید به صورت ویژه جشن گرفته شود.

حجت الاسلام محمد یوسفیان (کارشناس مباحث مهدویت): با آغاز امامت ایشان، علاوه بر اینکه زمین از حجت خدا خالی نخواهد بود، اهل زمین هم در امان حجت خدا باقی می‌مانند؛ همچنین استمرار دوری از مرگ جاهلی (من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة الجاهلیه) و پایان فصل بهره‌مندی مستقیم از امام ظاهر و آغاز بهره‌مندی و انتفاع از امام غایب است و با آغاز امامت امام غایب،

می‌توانیم اعلام کنیم بعد از هزار سال، همچنان امام زمان داریم. آیا استمرار امامت و شناخت اینکه با او بودن حیات دل است، شادی ندارد؟

حجت الاسلام سید جعفر موسوی نسب (کارشناس مباحث مهدویت و نویسنده کتاب غدیر دوم): ما در دوران غیبت کبرای امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف هستیم. طبق حدیث پیامبر که فرمودند: «هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است». همه باید امام زمان خود را بشناسند. در این دوران شناختن حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف از اهم واجبات برای ما است که همه زندگی ما (اجتماع، اقتصاد و همه مباحث حول محور مهدویت) زیر مجموعه ولایت است. ما باید با برگزاری مراسم جشن و اجتماعات بزرگ به تبیین جایگاه امام در هستی و شناخت آن حضرت پردازیم.

## پیشنادهایی برای نهم ربیع

برای رونق و ترویج نهم ربیع در جامعه چه کارویژه هایی را توصیه می کنید؟

مرحوم شیخ عباس قمی در کتاب شریف مفاتیح الجنان آورده است که روز هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ هجری قمری، شهادت حضرت عسکری علیه السلام واقع شد، و حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف به منصب جلیل امامت نایل گردید. بنابراین زیارت این دو بزرگوار در این روز بسیار مناسب است و روز نهم ربیع الاول، روز عید بزرگ است. این روز، روز برطرف شدن غم ها و روز بسیار شریفی است و چون روز هشتم [این] ماه، [روز] شهادت امام عسکری علیه السلام بوده و این روز [نهم ربیع الاول]، روز اول امامت حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است، سبب مزید شرافتش خواهد بود.

در روایتی آمده هر که در این روز چیزی انفاق کند، گناهانش آمرزیده می شود و گفته اند: در این روز [چند امر] مستحب است:

۱. اطعام به دوستان و ایجاد فرح و شادی در بین آنان؛

۲. پوشیدن لباس نو؛

۳. شکر و عبادت خداوند متعال؛

۴. گشاده دستی و فراوانی برای خانواده.

\*

حجت الاسلام والمسلمین مجتبی کلباسی (مدیر مرکز تخصصی مهدویت): اصل مسئله مهدویت و امامت مهم است و نهم ربیع بهانه ای است برای پرداختن به این موضوع اصلی. بنابراین با شناساندن نهم ربیع و اهتمام به آن می توانیم ضمن بزرگداشت این روز، به تبیین نقش و جایگاه امام، مسئولیت و آثار معرفت امام پردازیم. همچنین با ترسیم آینده ای روشن برای بشریت، نقشی را که آن حضرت در تحقق آرزوهای دیرین بشر ایفا می کند، به نمایش بگذاریم. با این رویکرد، نهم ربیع بهانه ای است برای طرح اندیشه مهدویت که جزو اندیشه های اساسی تشیع است.

\*

حجت الاسلام جواد محدثی (نویسنده و پژوهشگر): اگر فعالیت های فرهنگی مربوط به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و موضوع مهدویت، همچنان که در نیمه شعبان انجام می گیرد در این روز هم صورت بگیرد، «نهم ربیع» هم در اذهان ماندگار می شود و وسیله ای می شود برای ایجاد علقه و پیوند بین شیعیان و امام زمان.

گاهی در این روز، برنامه های سبکی به مناسبت و انگیزه دیگری صورت می گیرد که مایه تفرقه و تقابل هم می شود. بهتر است که نهم ربیع را از حیث تعلقش به حضرت حجت و آغاز امامت خجسته آن حضرت مطرح کنیم و برنامه های شاد داشته باشیم. نشر بروشورهای مناسب و پخش کتاب و جزوه های مرتبط با این موضوع نیز شایسته است.

از طرفی هم در روایات ما آمده است که هر امامی بر گردن پیروان خودش، عهد و میثاقی دارد. اساساً اعتقاد به امامت امام معصوم علیه السلام، همراه است با یک سلسله تعهد و پیمان و ولایت و همبستگی و میثاق. «دعای عهد» را که در دوران غیبت می خوانیم، متضمن همین «عهدنامه» با آن امام غایب است که شیعه معتقد به آن حضرت، با مولای خویش پیمان می بندد که مطیع فرمان و

مجری دستور و در خط آن حجت الهی باشد و جان بر کف و شهادت طلب، در رکاب مولایش آماده هرگونه جان نثاری باشد و هرگز با گذشت زمان و طول کشیدن دوران غیبت، این میثاق را از یاد نبرد و در عقیده به آن حضرت، سست نگردد. با این حساب، اگر در مجالس و محافل، در چنین روزی دعای عهد خوانده شود و متنی فارسی که همین مضمون و میثاق را دارد، چاپ و تکثیر شود ضمن پخش آن، هم به صورت دسته جمعی این «میثاق نامه» را بخوانند و با مولایشان تجدید عهد کنند، هم پای آن برگه را امضا کنند و به عنوان یادبود این روز عید و میثاق، نگه دارند و هر چند وقت یک بار آن را مرور و تجدید خاطره کنند، برای ایجاد حس معنوی و روحی در ارتباط با امامت امام حی و زنده و معاصر و ناظر بر اعمال ما شیعیان، مؤثر خواهد بود.

\*

حجت الاسلام علی صدوقی (استاد و مشاور اخلاق و تربیت مهدوی): برای رونق بخشیدن به مجالس این روز، اولین کاری که می توانیم بکنیم این است که سلسله مطالبی را برای گروه های دانشجویی و دانش آموزی که متناسب با فهم و درک آنان است مطرح کنیم، مثلاً- نسبت و رابطه ای که رسول با امام و امام با رسول دارد و رابطه ای که امام و رسول با جامعه دارند را در این مطالب روشن کنیم. چون ما الآن پیامبرشناسی و امام شناسی مان ضعیف است؛ باید در قالب های مختلف اینها را منعکس کنیم.

کار دیگری که می توانیم انجام دهیم این است که سخن گویان را تشویق کنیم که موضوع بحث آنان، بحث امامت و مهدویت باشد.

همین طور در این ایام در مدارس، یک سری میزگرد و بحث آزاد بگذاریم که دانش آموزان پرسش های مهدوی خود را مطرح کنند. مجله امان می تواند به گروه های دانش آموزی خط بدهد که آنها چه برنامه هایی را می توانند تدارک

ببینند، شورای دانش آموزی چه کارهایی می تواند انجام دهد. در قالب مقاله ای برای اولیای مدرسه و مدیران پرورشی و آموزشی مدرسه بیان کنیم که چه کار کنند. همچنین می توانیم به کانون های دانشجویی و دانشگاهی هم خط بدهیم؛ مثلاً گزارشی از یک کانون دانشجویی که سال گذشته در روز نهم ربیع کارهایی انجام داده اند را تهیه کنیم و برای دیگر کانون های دانشجویی بفرستیم.

\*

حجت الاسلام رحیم کارگر (عضو پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی): برای رونق بخشیدن به این روز باید همزمان دو نوع فعالیت را در دستور کار قرار دهیم. یکی فعالیت های تبلیغی - ترویجی و دیگری فعالیت های علمی - تخصصی.

فعالیت تبلیغی - ترویجی، کار رسانه ها، مطبوعات، نشریات، صدا و سیما و حتی سینما است. اینها باید با تمام قدرت در تبلیغ این روز وارد میدان شوند و کار تبلیغاتی خود را انجام دهند. مرکز تخصصی مهدویت و سایر مراکز مهدوی، با تمام قدرت وارد این حوزه کاری شوند و دانش پژوهان و مبلغان اسلامی را به همه جای ایران بفرستند. نه تنها مراسم جشن، بلکه مراسم سخنرانی، کلاس های پربار در این روز، توسط کارشناسان مهدویت برگزار شود، همچنین بروشورهای مناسب برای این روز تهیه شود تا بدین وسیله کار ترویجی - تبلیغی صورت پذیرد.

ما برای چیزهای ساده روز تعیین می کنیم، روز بدون سیگار، روز بدون ترافیک، روز همدردی با معلولان، روز بزرگداشت فلاخن شاعر؛ کار خیلی خوبی هم است؛ ولی متأسفانه برای این روز که شکرانه امامت و ولایت و بشارت الهی است نامی نداریم! یک نام خوب برای این روز انتخاب کنیم تا توجه مردم را به این روز مهم جلب کنیم. در نیمه شعبان مردم به عظمت آن روز توجه دارند، ولی به روز نهم ربیع، کمتر توجه دارند؛ در صورتی که این روز زمینه خوبی برای توجه دادن مردم

به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تبلیغ معارف مهدوی است.

در این ایام، ویژه نامه هایی با عنوان «امامت» منتشر کنیم و به موضوعاتی چون جایگاه امامت، منزلت امام و نیاز مردم و جهان به امام، کارکردهای امام حاضر و کارکردهای امام غایب، پردازیم و درباره آنها بحث کنیم.

این روز را، روز ارتباط و انس با آن حضرت قرار دهیم و نماز شکر به جا بیاوریم، برای سلامتی حضرت صدقه بدهیم؛ قرآن بخوانیم؛ بلکه این روز را روز ابراز محبت و دوستی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار دهیم، با ایشان درد دل کنیم؛ ندبه کنیم. این روز را روزی قرار دهیم که نسبت به سال های پیش، معرفت و محبت ما نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بیشتر شود.

\*

دکتر سید رضی موسوی گیلانی (عضو هیأت علمی پژوهشکده آینده روشن): با توجه به قابلیت رسانه ها و ابزارهای تبلیغاتی، می توان از طریق وسایل ارتباط جمعی، به ترویج و تبلیغ این روز همت گمارد و از طرفی هم با برنامه های فرهنگی از جمله برگزاری جشنواره، سخنرانی، مسابقه کتابخوانی به خصوص با محوریت پیشوایان دین، به نهادینه کردن و تثبیت آن در میان مردم اقدام ورزید.

\*

حجت الاسلام مهدی یوسفیان (کارشناس و استاد مباحث مهدویت): اگر ما بخواهیم نهم ربیع را که نخستین روز امامت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است، رونق بدهیم لازمه اش این است که بحث امامت و ظهور و حاکمیت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را برای مردم به گونه ای تبیین کنیم که احساس نیاز در مردم به وجود بیاید. مردم به هر اندازه که به چیزی احساس نیاز کنند، به همان اندازه هم به آن توجه بیشتری می کنند و نسبت به آن برنامه ریزی می کنند. بنابراین باید معرفت مردم همراه با شور و نیاز مردم پررنگ شود. اگر بتوانیم بین نهم ربیع و غدیر پیوند لطیفی برقرار

کنیم؛ یعنی این نکته را تفهیم کنیم که حضور در نهم ربیع و بیعت با امام، یعنی حضور در غدیر خم و اگر بتوانیم مراسم بیعت را بازسازی کنیم، کار ارزشمند و خوبی است.

\*

حجت الاسلام خدامراد سلیمیان (استاد و عضو پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی): متأسفانه فرصتی برای شناساندن روز نهم ربیع‌الاول دست نداده است. این روز آن طور که شایسته است برای علاقه مندان به آن حضرت تبیین نشده است، این امر می‌طلبد که فعالیت‌هایی در این زمینه انجام شود؛ اما این تبیین باید به گونهای باشد که باور علاقه مندان را تعمیق ببخشد. وقتی این اتفاق افتاد، در واقع حقیقت عیدالزهر را تبیین کرده‌ایم. گاهی عده‌های دچار نگاه قشری و سطحی به برخی آموزه‌ها می‌شوند، بعضی از کارها و رفتارهایی که انجام می‌دهند بر اساس آموزه‌های اسلام و اهل بیت علیهم السلام نیست؛ آنان از حقیقت غفلت می‌کنند و چرایی بعضی از رفتارهای دینی را نمیدانند؛ در برگزاری جشنهای عیدالزهر، توجه به نکوداشت آغاز امامت امام مهدی علیه السلام میتواند افق و نگاه گسترده‌تری را پیش روی علاقه مندان آن حضرت قرار دهد، به عنوان مثال وقتی از آغاز امامت خرسند می‌شویم که در نهایت، منجر به برانداختن ستمگران شود و این توجه به اصل موضوع امامت ایشان است. اما گاه کسانی هستند که نگاهشان در برگزاری جشنهای نهم ربیع روی مسائل جزئی می‌رود و متأسفانه این نگاهها چندان به مصلحت شیعه و پیروان اهل بیت علیهم السلام نیست و در این گیر و دار، آن نگاه آرمانی فراموش می‌شود. لازم است کسانی که دغدغه دارند وارد میدان شوند، موجی رسانهای ایجاد شود و رسانههای تصویری، شنیداری و نوشتاری در این موضوع حضور جدی پیدا کنند.

\*



حجت الاسلام محمد یوسفیان (کارشناس مباحث مهدویت): در این زمینه باید تمام مراکز مهدوی در سراسر کشور برنامه ای هماهنگ تنظیم و اجرا کنند؛ مثلاً یک کار خوب این است که زنگ امامت همراه با صبحگاه امامت در مدارس کشور ترویج، تبلیغ و اجرایی شود.

\*

حجت الاسلام سید جعفر موسوی نسب (کارشناس مباحث مهدویت و نویسنده کتاب غدیر دوم): رسانه نقش اساسی می تواند ایفا کند. به نظر من همانطور که رسانه درباره واقعه بعثت، غدیر و عاشورا به میدان می آید، باید درباره جایگاه امام در عالم هستی و جایگاه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان غیبت، وارد میدان شود. رسالت مهمی بر دوش صدا و سیما و رسانه های ماست، سخنرانان ما، مسجدهای ما، دانشگاه های ما باید در بسط و گسترش فرهنگ اهل بیت علیهم السلام در روز آغاز امامت و ولایت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف برنامه ریزی ویژه ای داشته باشند؛ همانطور که درباره عاشورا و غدیر برنامه ریزی می کنند.

\*

حجت الاسلام محمدرضا فوادیان (معاون پژوهش بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف): باید رسانه ملی و بخش های فرهنگی جامعه و رسانه های مختلف اعم از نوشتاری، صوتی و تصویری، نهم ربیع را تبلیغ کنند که برای مردم شناخته شود و اگر سخنرانان، اهل منبر و اندیشمندان، همه به عنوان یک روز ویژه برای تبلیغ مهدویت در این روز وارد میدان شوند، تأثیرگذار است و از طرف دیگر همه عزیزانی که به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف علاقه دارند، سعی کنند آن روز را مهدوی زندگی کنند. به یاد امام زمان زندگی کنند؛ اگر کسی شاعر است، با یک شعر؛ اگر نقاش است، با یک نقاشی به یاد امام زمان باشد. کسی که کارمند است، آن روز برای همکارانش شیرینی و شکلات ببرد. اگر کسی بقال است، در محل کسب

خود، طوری زندگی کند که مورد رضایت حجت خدا باشد و تعاملش با مشتری ها فرق کند. خلاصه امر آنکه همه کسانی که منتظر امام زمان هستند در روز نهم ربیع، به صورت ویژه زندگی کنند.

\*

حجت الاسلام محمدامین بالادستیان (کارشناس و استاد مباحث مهدویت): اگر این روز را به درستی ترسیم کنیم و جایگاه این روز را در میان کل مقاطع تاریخی نه فقط به عنوان یک روز جا بیندازیم، کار بسیار مهمی انجام می گیرد. ۱۲۴۰۰۰ پیامبر آمدند و اهداف و دغدغه ها و انگیزه هایی را دنبال کردند؛ ولی به سبب فراهم نبودن زمینه ها قرار بر این شد که امام مهدی علیه السلام بیاید و اهداف آنها را محقق کند؛ پس اگر ما به مسئله این طور نگاه کنیم که این مقطع تاریخی، مقطعی است که خداوند اراده کرده که کسی را بفرستد تا هدف انبیا را محقق کند آن وقت قشنگ می شود.



ص: ۷۹

بخش سوم. نوشته های ادبی

اشاره

## میثاقی دوباره

### میثاقی دوباره (۱)

ای خدای عهدهای ناگسستنی! قدم هامان را برای صداقت و ثبات، سرپنجه هامان را در تعهد و وفا و قلب هامان را در سرشاری مدام از مهرش مدد فرما.

ای خدای میثاق های ماندنی! اطمینان ما را به او و یقینمان را به وثوقش بیافزای. از ما شمشیر زنانی ساز که نه در داغ خرما یزان، نه در سوز برف ریزان و نه در پوسیدگی پاییز، ربیع با طراوتش را با هیچ متاعی معامله نکنیم.

ای خدای قول های از یاد نرفتنی! بد عهدی ما را سبب ساز شکستگی مان مخواه و ناسپاسی هایمان را سبب سوز ترخُمش مکن. به ما بفهمان که نقض هر پیمانی پس از او رواست و حالی مان کن که قرار عاشقی همواره پا برجاست. ما را از مصالحه بر سر او باز دار و پایمان را گام زن کوچه اش بدار «و اقرن ثارنا بثاره». (۲)

صلی الله علیک یا عزیز!

مرا دریاب که بوران، مرا از مرصد تصویرت دور انداخته است و دیده ام سوی آمدنت نمی شناسد، تا سیاهی خود به پایش سپید کند. مرا دریاب تا ناقوس رهاییم

۱- سعید مقدس

۲- خون ما را قرین خون او کن، (مصباح المتهجد، ص ۸۴۲).

را از قید تو فریاد نزنند، تا برای دمی آسودنت، حسرت به دل نمانم. مرا دریاب که در اجتهاد طاعتت شکست خورده ام و بگذار تکاپو از سربگیرم. مرا دریاب که پابند هر که شدم از سرخویش بازم کرد و حالا راه برگشت را هم نمی دانم.

کوچک بودم؛ تنها قدمی آن طرف برایم پیدا بود؛ اما تو تا عمق افق را می دیدی؛ روی زانو می نشستی و برایم از نورستان می گفتی؛ خلعت خدمتت را در برم کردی؛ اما وقتی راه می رفتم به خاک می کشید و من کوتاه بودم؛ زود بود برایم انگار، اما تو می دانستی روزی قدم می کشم و آستین نصرت، از سرپنجه ام پیش نمی ماند و من هنوز هم کوتاهی های امروز را می بینم و نمی فهمم. اگر دلهره های تو نباشد همین ردا به پایم می پیچد و زمین می خورم. بگذار شکوفه شکوایم بر شمشاد نیوشایت جوانه زند؛ بعد هر چه می خواهی ملامتم کن. بگذار لب برچیده ام، بغض های فروخورده را بیرون بکشد، آن وقت اگر رغبت مرا نکردی بیرونم انداز. مرا با تو سخنی هست.

اگر از رنجیدنت امانم می دهی؛ می گویم: حس می کنم دلت را زده ام و پایم دارد از میهمانیت می برد. دروغ نمی گویم؛ حالا که از زشت رویی ام بری شده ای، عتابت را لمس می کنم، می فهمم. اکنون که ماتم گرفته ای و مدام محزونی، ولی من نیز مدعای دروغین ندارم. نمی گویم اگر با هم از یک کوچه بگذریم، تنها رد پای تو به جا می ماند؛ لاف وفا زده ام؛ یقین کرده ام که هر سر تراشیده ای رسم قلندری نمی داند، هر شب گردی دل شدگی را تجربه نکرده است. من اگر سنگ تو را به سینه زده ام، اگر وقت و بی وقت عریضه برایت نوشتم، اگر نام تو را از نامردمان کتمان کرده ام، همه از شوری است که از حقیقت مهر تو برآشفته؛ همه اش از وفور آن سرزندگی است که از نفس های عمیقم در یاس خانه ات دارم؛ نه برای از کسی جز تو حتی مرحبایی طلبیدن. مرا با تحویل نگرفتن تأدیب نکن. باور کن من از روی حماقت است که خویش را به تغافل می زنم، نه از سر تمرد. به من حق بده،

کسی را در دربارت ندارم، یک سکه هم در توشه بارم نیست برای خریدن نازت. یا انیس! می ترسم از آینده ای که در هوای مه آلوده تقدیر گم شده هراس دارم. نکند مرا محکوم کنی به از دست دادنت؛ نکند نابود شوم با هبوط از نینوایت.

صلی الله علیک یا عشق!

پای بر که ات قرارمان برای وعده ای که داده ای؛ برایم عقدی از ثریا برجین تا عقدمان در نور مستور بماند. باغت اگر لاله داشت بیاور تا شمعدانش کنیم؛ آینه ای هم تا اگر نتوانستم خیره ات شوم عکست را چشم انداز تماشا کنم. برقع از روی بینداز؛ نقاب از چهره برگیر و شکوه هویدا کن. تو با سرکشی چون من، عقد اخوت نبسته ای؛ اما من روزی هزار بار بر بنوت خویش سوگند خورده ام. تو من سیاه کار و مسی را نمی پسندی؛ اما من همه جا را گشته ام و تو محسن را گزیده ام. بیا اکنون که سپیده از فراز شانه شب سیرک می کشد با من سر سفره ای که با سلیقه خودم چیده ام میثاقی بدار. بیا و مرا از غل و زنجیرها با بیعت خویش ابتیاع کن. بیا از قفایم بگیر و به مرزهای خودت بسپار. مرا با حلقه یاس که دستم می کنی متحول کن، زیر و رویم ساز. می خواهم آدم دیگری شوم. می خواهم بلندم کنی و راهم اندازی. تو همانی که من می خواهم؛ بی تا بی بدیل بی نظیر: «رضیتک یا مولای اماما و هادیاً و ولیاً و مرشداً لا ابتغی بک بدلاً». (۱)

اگر آن پیمان زرین و عهد عتیق نبود که دیروز در عالم ذر بستیم، کجای امروز خبraz جستاری عاشقانه بود؟ گفتند به ربوبیت اقرار کنم و گردن بگذارم طاعت تو را آن دم که پذیرا شدم. لؤلؤ شاهوار ولایت را پیشم به ودیعت دادند. چه نفرین شدگانند آنان که نقض میثاق کنند. به راستی عاقبتی را برایشان رقم نزده اند جز خانه هایی که از آن سعیر زبانه می کشد. وقتی عهدت می شکنند کامت تلخ

---

۱- مولای من راضیم به این که تو امام و هادی و ولی من و راهنمای من باشی و جایگزینی برای منی جویم. (مفاتیح الجنان، زیارت سرداب مطهر).

می شود. با هریک نفری که ابلیس از رکابت می رباید، خیمه های سپید سپاهت تنگ تر می شود. چیست دشواری این معاهده که غربال گون خبیث را از طیب تمیز می دهد؟ سختی اش به تحمل طعنه هاست. به قناعت در غنای تو را داشتن و از جرگه غلامانت عزلت نگزیدن. تهمت دیوانگی شنیدن و سنگ طفلان خوردن به خویشتن را پای تو پیر کردن و حیات را وسیله مواسات تو دانستن ... و سر این شداید را تنها آنانی در خواهند یافت که لب به لب مودت تو تر کرده باشند. ((إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ لَا يَنْفُضُونَ الْمِيثَاقَ)). (۱)

کسی که می اندیشد ستودن تو آسودگی دارد، بیاید و از دور میثمی را بنگرد. بر چکاد دار ابتلا قصیده وصل تو سرودن و مثنوی وصف تو خواندن آسان نیست، خودت می دانی ...

حجر الاسود را می شناسم؛ نخست ملکی بود که مقر به عهد الست آمد تا پروردگارش میان مخلوقات، امین قرار دهد او را، بدل به سنگی ساختند ساکن در رکن بیت تا حاجیان تجدید قول و قرار نزد او امانت نهند. و ای دل غافل مباش که امین الله تو در مطاف است - همو که ثقل میثاقش در تسلیم حجر می کنی - نگاه کن، کعبه تبرک از استلام او می جوید. دیده به خانه دوختی؛ مات صاحبخانه هم باش. دست سوی او فراگیر و بر کبریای او تکبیر گوی و آن گاه: «امانتی ادیتها و میثاقی تعاهد انه لتشهد لی بالموافاه؛ (۲) امانتم را ادا کردم و میثاقم را از عهده برآمدم تا گواهی دهی به وفایم». (۳)

۱- جز این نیست که صاحبان خرد تذکر می یابند، همانان که به عهد خدا وفا می کنند و پیمان را نمی شکستند. (رعد/۱۹ و ۲۰).

۲- جمله ای که مستحب است حجاج هنگام استلام حجر بخوانند.

۳- میثاق و سپیده، ص ۶۳-۶۷ با تلخیص.



## غروب اسارت (واپسین لحظات زندگی امام حسن عسکری علیه السلام)

غروب اسارت (واپسین لحظات زندگی امام حسن عسکری علیه السلام) (۱)

مهدی جان! در این واپسین لحظات زندگی، چگونه آغاز تو را مرور نکنم؟ و امر امامت را بر دوش تو کودک چند ساله ام بگذارم، حال آن که لحظه پر شکوه میلادت مقابل چشمانم می درخشد. هنگام تولد تو، نوری از سر و رویت به اطراف آسمان می درخشید. مرغان سفیدی از آسمان فرود می آمدند و بال های خود را بر سر و روی بدن آسمانی ات می کشیدند و پرواز می کردند. خادمان خانه با حیرت شگفت آوری از این ماجرا سخن می گفتند. با تبسمی مشتاقانه از راز این قصه پرده برداشتم: «آنها از فرشتگان آسمان ها بودند که در موقع ظهور این طفل، یاوران او خواهند بود. آنها آمده بودند تا به او تبرک بجویند».

موعود من! امید اهل بیت! عالم اینک در انتظار تو نشسته است. تو را مهدی می خوانند؛ زیرا خداوند تو را به امر الهی خود هدایت نموده است.

آه! اینک پدر جوانت، در گوشه سامرا سر به بالین شهادت می گذارد. شش سال از شهادت پدرم می گذرد. در این مدت بار دشوار امامت، بر دوش من که نه، در جان من حمل می شد. معتمد عباسی تا لحظه ای دیگر به خواسته بزرگ خود می رسد. سال های اسارت و غم، سال های غم و تنهایی، روزهای تنهایی و سکوت

... آه! که چه غریبانه و تلخ گذشت. پدر بیست و هشت ساله تو، راهی سفر شد. معتمد در امتداد جنایت های پدرش متوکل، شربت زهر آلودی بر من خورانی که...

فرزند امید! دل را به فردایی سپرده ام که تو در آن، حقیقت دین را افشا خواهی کرد. دنیا را با همه فرازها و نشیب هایش، با تمام پستی ها و بلندی هایش به تو می سپارم. به تو می سپارم دردهای نهفته ای را که جز در و دیوارهای اتاق کوچکم در سامرا، به احدی تاب گفتنش را نداشتم. اسارت و سکوت حسنی باز هم در قصه من رقم خورد. اما آه بگویم که خروش و فریاد حسینی نصیب تو خواهد شد؟! چه خروشی، چه قیامی؟! تو که باید حسن بمانی و هم حسینی باشی. هم حسین کربلای خود باشی و هم زینب سفر اسارت خویش. باید هم علی خانه نشین، بمانی و هم حیدر کزار. هم زین العابدین داغدار باشی و هم باقرالعلوم تقیه ها و هم شکافنده دانش های درون. هم صادق آل محمد باشی و استاد علوم آسمانی، و هم موسی بن جعفر زندانی نشسته در غل و زنجیر هارون باشی و هم علی بن موسی رسوا کننده دسیسه های مأمون. هم غربت زده تنهایی های خود باشی و هم جواد الائمه محبوب همگان. هم جواد بی کس و تنها بمانی و هم هادی مظلوم بزرگ. هم هادی بزرگ باشی و هم حسن غمدیده اسیر...

تو مجموعه اسرار عدالتی، مرکز اجتماع حقایق، قبله گاه جاده های عرفان. آری، آری، در یک جمله، در یک کلمه تو مهدی هستی.

پلک بر هم می نهم تا پیش از اتمام تصاویر، تو را دریابم؛ تویی که پیش از میلادت در نگاهم منزل داشتی. تو را تمام کائنات عالم، چشم به راه خواهند بود. تو را به خدایی می سپارم که قدرت آسمان ها و زمین به دست اوست.

زهر معتمد در شربت گوارایی حل شد و شربت او در خون من، در جگرم، ولی به این می اندیشم که چگونه معتمد های تاریخ، زهر غربت را در جان خسته تو می ریزند و شیعیان منتظر در تلخی این زهر، سالیان سال به استغاثه و فریاد بر

می خیزند.

آه! روزگار عجیبی است؛ مهدی جان! به کجا می توان پناه برد؟ با چه کسی می شود درد دل گفت؟ عاشقان خود را دریاب! شیعیان منتظر را یاری کن! (۱)

---

۱- برگرفته از کتاب این سند خورشید است.

## آخرین نشانه

### آخرین نشانه (۱)

ابوالادیان صدایش می زدند. خدمتکار امام حسن عسکری علیه السلام بود و نامه های او را به شهرها می برد. در آن مدتی که امام بیمار شده بود، او هم مثل دیگران نگران و غمگین بود.

آن روز حضرت صدایش کرد و نامه هایی را که برای بعضی از شیعیان شهرهای دیگر نوشته بود، به دستش داد و فرمود: «اینها را به دست صاحبانشان برسان. پانزده روز دیگر این جایی و وقتی نزدیک خانه شدی، صدای گریه و شیون از خانه ام خواهی شنید و می بینی که پیکر مرا برای غسل و کفن می برند».

ابوالادیان غمگین شد. بار دیگر به یاد موضوع جانشین امام افتاد. پرسید: «آقای من! اگر این اتفاق غم بار رخ می دهد، پس برایمان بگویید که امام بعد از شما کیست؟»

امام سر بلند کرد، فرمود: «تو کار خود را انجام بده! هر کس در بازگشت، پاسخ نامه ها را از تو خواست، او جانشین واقعی من است».

ابوالادیان نشانه های بیشتری خواست. امام فرمود: «نشانه دیگر اینکه هر که بر پیکر من نماز خواند، او امام بر حق است و هر که «همیان» یا بسته خاصی را -

که از جایی خواهد رسید - خواست، او جانشین من است».

ابوالادیان سکوت کرد و رفت تا آماده سفر شود. با خود فکر می کرد که چه خواهد شد؟ یعنی دوازدهمین امام کیست؟

پیش از خروج از خانه، نامه ها را در میان پیراهن خود پنهان کرد و از منزل امام خارج شد. همه می دانستند که اطراف خانه پر از جاسوسان خلیفه است. اگرچه معتمد عباسی چهار سال پیش، دارالخلافة (مرکز خلافت) را از سامرا به بغداد منتقل کرده بود، اما مأموران شبانه روز خانه امام را زیر نظر داشتند و مراقب رفت و آمدها بودند.

\*\*\*

پانزدهمین روز سفر بود که ابوالادیان به سامرا بازگشت. هنوز طنین حرف های امام حسن عسکری علیه السلام در گوشش زنگ می زد.

به خانه امام نزدیک شد. صدای شیون از دور به گوش می رسید. غم بزرگی در دلش نشست. آری، امام از دنیا رفته بود، ولی راستی حالا امام بعد از او که بود؟

جمعیت جلو در خانه امام موج می زد. ابوالادیان جلوتر رفت. جعفر، برادر امام را دید که همراه گروهی جلوی در خانه ایستاده و عده ای شهادت امام را به او تسلیت و عده ای جانشینی و امامتش را تبریک می گویند. ابوالادیان و عده ای از شیعیان خاص امام ماتشان برده بود. آخر همه اهل سامرا، جعفر را می شناختند. او نمی توانست دوازدهمین امام شیعیان باشد. او به «جعفر کذاب» معروف بود. فرزند امام هادی علیه السلام و برادر امام حسن عسکری علیه السلام بود، ولی سرگذشتش مانند پسر نوح بود که به خاطر هم نشینی و دوستی با افراد گناه کار و ناصالح، از عصمت خاندانش دور شده بود. امام حسن عسکری علیه السلام هرگز او را محرم اسرار خود نمی دانست. تا جایی که از تولد فرزندش مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به او چیزی نگفته بود و تنها عده ای از شیعیان مورد اعتماد از این موضوع باخبر بودند.

ابوالادیان، به یاد نشانه های امام افتاد. به جعفر نزدیک شد. مثل دیگران تبریک و تسلیت گفت، ولی حرفی نشنید. جعفر نه چیزی از او خواست و نه پرسشی کرد.

حالا دیگر مطمئن بود که او امام دوازدهم نیست. پس چرا برای نماز بر پیکر امام عسکری علیه السلام آماده شده؟! مگر خود امام نفرموده بود که هر که بر پیکرم نماز بخواند، امام بر حق است؟!!

ابوالادیان نمی دانست چه کند. ایستاده بود و با حیرت به جعفر نگاه می کرد. جعفر در حالی که با عده ای از جاسوسان خلیفه می آمد، وارد صحن خانه امام شد و عده ای از شیعیان هم در پیش بودند. صف نماز تشکیل شد و همه چیز آماده بود. ناگهان کودکی از درون خانه بیرون آمد که نورش مثل ماه همه جا را روشن کرد. سرها همه به طرف او برگشت. راستی او که بود؟

کودک که صورتی گندمگون، موهایی به هم پیچیده و دندانهایی گشاده داشت به سمت جعفر رفت و با شجاعت و شهامت ردای او را گرفته و به عقب کشید و گفت: «عمو! عقب برو! من باید بر پیکر پاک پدرم نماز بگذارم نه تو، چون من بر این کار از همه شایسته ترم».

جعفر که رنگ از رویش پریده بود، بی اختیار عقب نشینی کرد و کودک نورانی جلو آمد و بر پیکر امام نماز خواند و او را در کنار مرقد امام هادی علیه السلام به خاک سپرد.

حالا شادی و غم، هر دو در دل ابوالادیان موج می زد. آری! ابوالادیان آن کودک را می شناخت، او «مهدی» فرزند کوچک امام حسن عسکری علیه السلام و امام دوازدهم شیعیان بود. این نخستین نشانه بود که از او می دید، حتماً نشانه های دیگر هم درست خواهد بود. باید منتظر می ماند.

بعد از نماز، کودک پاسخ نامه ها را هم از ابوالادیان خواسته بود و حالا فقط یک نشانه دیگر مانده بود، آخرین نشانه!

از خانه بیرون آمد. جعفر با چهره ای برافروخته همراه عده ای بیرون خانه امام ایستاده بود. کسی پرسید: «جعفر! آن طفل را شناختی؟»

– به خدا که تا به حال نه او را دیده و نه می شناسم!

همان وقت کاروانی از قم رسید. آنان احوال امام را جویا شدند. ولی با شنیدن خبر رحلت او گریستند. پرسیدند: «حالا امام بعد از او کیست؟»

گروهی جعفر را نشان دادند. کاروانیان جلو آمدند و به او تبریک و تسلیت گفتند. آنان خطاب به جعفر گفتند: «نامهها و اموالی همراه ماست، بگو نامه ها از کیست و مالها چه مقدار است تا آنها را به تو تحویل دهیم؟!»

جعفر عصبانی شده و از جا بلند شد. خاک لباسش را تکاند و گفت: «شما می خواهید من از غیب خبر بدهم؟»

همین وقت بود که خدمتگزاری از خانه امام بیرون آمد و پاسخ پرسش آنها را داد. کاروانیان خوشحال شده و گفتند: «همان وجود گران مایه ای که تو را به سوی ما فرستاده، امام ماست.»

ابوالادیان حالا خوشحال تر از همیشه بود. آری، آخرین نشانه هم درست بود و آن کودک نورانی، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، دوازدهمین امام شیعیان بود.

## سلیل خاتون

### سلیل خاتون (۱)

تاریخ تشیع، کسانی را در حافظه دارد که مانند ستاره در افق روزگار می درخشند، هر چند نامشان سر زبان ها نباشد. «سلیل»، مادر امام حسن عسکری علیه السلام یکی از آن ستارگان درخشان است. ایشان در زمان شهادت فرزندش امام حسن عسکری علیه السلام، در هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ هجری قمری در شهر مدینه بودند و به محض شنیدن خبر شهادت فرزندش، به سامرا می رود و در محکمه با نشان دادن وصیت نامه امام عسکری علیه السلام، اموال امام را از جعفر کذاب پس می گیرد؛ زیرا امام حسن عسکری علیه السلام در وصیت نامه ای که به مادرش نوشته بود، او را وصی خود اعلام کرده بود. با این کار، وصی بودن جعفر منتفی شد و دربار عباسی از رسیدن به آرزوی خود باز ماند؛ چون آنها ردای امامت را به تن جعفر پوشانده بودند و مردم، به خصوص شیعیان، از این انتخاب متحیر بودند. سلیل خاتون - که در نزد شیعیان به جده معروف بود - مردم را از اطراف جعفر پراکنده کرد و روایات رسیده از اهل بیت درباره امامت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را به مردم باز گفت. شاید بتوان گفت این بانوی شجاع، اولین کسی بود که مبشر آغاز امامت حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف در نهم ربیع الاول سال ۲۶۰ هجری قمری بود.



## روزشمار ربیع؛ از شهادت تا بیعت

ماه‌های آغازین سال ۲۶۰ هجری

دستگاه خلافت و جعفر

۱. دستگاه خلافت عباسی به شدت امام را زیر نظر دارد. آنها به دلیل نفوذ و شایستگی امام علیه السلام و ترس از ولادت آخرین وصی نقش‌های شومی می‌کشند.

۲. جعفر، برادر امام عسکری علیه السلام است که همانند پسر نوح منحرف شده است.

منزل امام عسکری علیه السلام

۱. امام حسن عسکری علیه السلام شش سال در محاصره شدید در سامرا به سر برده، ولی حکایت خوبی‌های ایشان، روز به روز در سطح جامعه، رو به گسترش است.

۲. شیعیان در شدیدترین فشارها هستند و تنها رابطه آنها با امام علیه السلام از طریق عثمان بن سعید است که با شیوه‌های خاصی صورت می‌گیرد.

۳. امام علیه السلام پانزده روز قبل از شهادت، خدمتکارش، ابوالادیان را باخبر می‌کند و او را برای مأموریتی می‌فرستد.

اول ربیع الاول

منزل امام عسکری علیه السلام

معتد، خلیفه عباسی، امام علیه السلام را مسموم می‌کند. امام علیه السلام بیمار و بستری می‌شود.

سوم ربیع الاول

دستگاه خلافت و جعفر

۱. پزشکان ویژه دربار از نجات یافتن امام علیه السلام اظهار نومی‌دی می‌کنند.

۲. خلیفه دستور می‌دهد، پزشکان همچنان در منزل امام بمانند. ده نفر قاضی تحقیق هم با آنها همراه می‌شوند تا امام علیه السلام را زیر نظر بگیرند.

منزل امام عسکری علیه السلام

۱. خبر بیماری حضرت در شهر می پیچد و موجب اندوه شیعیان می شود.

۲. شیعیان حتی در روزهای آخر هم نمی توانند امام خود را ببینند و درباره جانشین او، اطلاعات کامل تری به دست آورند.

هفتم ربیع الاول

دستگاه خلافت و جعفر

۱. فزونی یافتن حضور مأموران و جاسوسان دربار در منزل و اطراف آن.

۲. جعفر که شهادت برادر را نزدیک می بیند، با تشویق دستگاه خلافت، خود را جانشین امام عسکری علیه السلام معرفی می کند و همراه دوستانش به منزل امام می آید .

منزل امام عسکری علیه السلام

وخیم شدن حال امام علیه السلام.

شدت اندوه شیعیان شهر.

راه یافتن عثمان بن سعید، بزرگ شیعیان شهر، به منزل امام علیه السلام.

نیمه شب هشتم (سحرگاه)

منزل امام عسکری علیه السلام

۱. حال امام علیه السلام وخیم می شود و در آخرین لحظات می خواهد فرزند پنج ساله اش را ببیند.

۲. فرزند دور از چشم جاسوسان بر بالین پدر آمده و ظرف آب را به پدر می دهد. سپس برای وضو گرفتن به او کمک می کند.

۳. امام عسکری علیه السلام پس از خواندن نماز صبح، آخرین وصیت ها را به فرزند خود می گوید و آن گاه در آغوش فرزندش جان به جان آفرین می سپارد.

صبح روز هشتم ربیع الاول

دستگاه خلافت و جعفر

۱. مأموران دربار، پزشکان، قضات و جاسوس ها پس از شهادت امام سه مأموریت بر عهده دارند:

الف) انجام سوگواری نمایی؛

ب) پراکندن شایعه مرگ طبیعی؛

ج) جستجو برای یافتن فرزند احتمالی امام.

۲. جعفر سعی می کند با کمک اطرافیان، خود را تنها وارث برادر و بزرگ شیعه و شایسته امامت معرفی کند! بنابراین، خود را آماده برگزاری مراسم نماز می کند.

منزل امام عسکری علیه السلام

۱. بانگ شیون در منزل امام علیه السلام، نشانه شهادت اوست.

۲. شیعیان با شنیدن خبر، بی توجه به خفقان و حضور گسترده مأموران خلیفه، به منزل امام علیه السلام سرازیر می شوند.

۳. شیعیان، منتظر مراسم اقامه نماز بر پیکر امام علیه السلام هستند؛ چرا که می دانند جز امام معصوم کسی بر امام علیه السلام نماز نخواهند گزارد.

ظهر روز هشتم

دستگاه خلافت و جعفر

۱. خلیفه و درباریان، برای تشییع پیکر امام می آیند و همراه انبوه مردم شهر و سربازان بیرون منزل امام علیه السلام منتظر می مانند.

۲. دستگاه خلافت از اینکه امام عسکری علیه السلام فرزندی ندارد، شادمان است و خیال می کند سلسله امامت شیعه به پایان رسیده و ....

۳. جعفر که ظاهری غمگین دارد، با غرور به سمت جنازه می رود. رو به قبله می ایستد و دست ها را بالا می برد تا تکبیر نماز را بگوید، ولی ناگهان کودکی گندم گون و زیبا او را کنار می زند. جعفر وحشت زده عقب می رود. کودک با چشمان اشکبار نماز می خواند و ...

۴. جعفر در اجرای نقشه هایش ناکام می ماند و خانه برادر را ترک می کند.

منزل امام عسکری علیه السلام

۱. پیکر امام علیه السلام، پس از غسل و کفن، به حیاط منزل آورده می شود و برای اقامه نماز رو به قبله گذاشته

می شود .

۲. در منزل امام علیه السلام جز اهل خانه و ابوالادیان، کسی نمانده است.

۳. کاروانی از بزرگان قم برای دیدار با امام عسکری علیه السلام به سامرا آمده که همراهشان نامه و کیسه های طلاست.

۴. آنها ناامید در حال دورشدن از شهر هستند که غلامی آنها را دوباره به منزل امام عسکری علیه السلام دعوت می کند. غلام، آنها را به اتاق می برد. ابوالادیان با شگفتی همراهشان می رود. در آنجا با کودکی نورانی روبرو می شوند. آنها احترام می گذارند و کودک پس از احوال پرسی، از نامه ها و کیسه ها می گوید.

قمی ها شادمان و شگفت زده، سر به سجده گذاشته و خداوند را شکر می کنند و پس از شناخت امام خود، با ایشان پیمان می بندند.

عصر روز هشتم

منزل امام عسکری علیه السلام

۱. در منزل، جاسوس های خلیفه و شیعیان عزادار حضور دارند.

۲. ابوالادیان در صدد شناخت آخرین امام است. آن هم به وسیله نشانه هایی که از امام عسکری علیه السلام فرا گرفته است.

۳. جعفر سعی دارد، به نام امام آنها را فریب دهد، ولی آنها که اهل حدیث و دانش هستند، او را امتحان می کنند و جعفر رسوا می شود.

و چنین شد که :

هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ هجری، امام عسکری علیه السلام به شهادت رسید و فرزندش، امام مهدی علیه السلام، جانشین ایشان شد. اولین بیعت گران افتخارآمیز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ، مردانی از شهر قم و مناطق غربی ایران بودند؛ وارثان سلمان فارسی، نزدیک ترین یاور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام علی علیه السلام بودند؛ باشد که زمینه سازان ظهور حضرتش هم باشند.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

